

# کتاب بن سیراخ

شامل :

پیشگفتار

متن ( قسمت اول )

متن ( قسمت دوم )

متن ( قسمت سوم )

# کتاب بن سیراخ

## پیشگفتار

«عیسی پسر سیراخ» (۲۷:۵۰، ۳۰:۵۱) و به عبری بن سیرا است. روایات مسیحی حداقل پس از دوران سیپریان قدیس (St. Cyprien) برای تأکید بر اهمیت آن و به ویژه برای آموزش نوایمانان، آن را کتاب کلیسایی (Ecclesiastique) (یعنی کتاب کلیسا یا کتاب جماعت) نامیده‌اند. در ادبیات یهود به نام «امثال بن سیرا» معروف است (ژروم قدیس با این عنوان آشنا بوده) یا به طور ساده تر آن را «کتاب بن سیرا» می‌نامند. نسخ مهم آن به زبان یونانی دارای عنوان «حکمت عیسی بن سیراخ» یا «حکمت سیراخ» هستند.

از خود کتاب درمی‌یابیم که بن سیراخ از افراد ممتاز اورشلیم و کاتبی بوده که از آغاز جوانی به تورات علاقه و دل‌بستگی زیاد داشته و خود را سرگرم اشاعه و رساندن پیام آن (۳۴:۲۴، ۱۸:۳۳) - به خصوص احتمالاً به اشراف زادگان جوان شهر - و نیز ماحصل تفکرات و تجربیات خود (۱۵:۳۲) به دیگران با دایر کردن مکتب‌خانه (۲۳:۵۱) کرده بود. او که در ابتدا خود جوینده‌ای پر شور در پی حکمت بود (۱۳:۵۱-۳۰) با انجام سفرهایی به دیگر سرزمین‌ها (۹:۳۴-۱۱) و شاید در طی مأموریت‌هایی کمابیش رسمی (۴:۳۹) بهره‌های بسیار نصیب خود نمود. در این راه‌ها

کتاب عیسی بن سیراخ هم برای مترجم و هم خواننده به میزان بسیار زیادی مسأله برانگیز است. اگر در شمار کتب ادبیات حکمت منظور شود (ر.ک. پیشگفتار کتاب امثال)، تاریخ آن مربوط به سال‌هایی می‌شود که این نوع ادبیات در پایان دوران تحول طولانی خود بود و همین امر چهره بسیار پیچیده‌ای به آن می‌دهد. انتقال آن توأم با وقایع بسیار بوده از جمله آن که اول از فهرست متون برحق یهودی فلسطینی حذف شد و در رده کتاب‌هایی که تحریفی (آپوکریف) یا متون برحق متأخر گفته می‌شود جای گرفت و متن اصلی عبری آن که زمانی مفقود شده بود، بعداً بخشی از آن پیدا شد. این متن قرن‌ها فقط توسط ترجمه‌هایی از آن که خود نیز داستان‌هایی پر پیچ و خم دارند شناخته می‌شد. در اینجا منظور ما تنها عرضه راهنمایی فرا راه خواننده است تا وی را برای مطالعه متنی که هم شگفت‌آور و هم غنی است یاری رساند.

### عنوان و نویسنده

این کتاب تنها نوشته‌ای از عهد عتیق است (به استثنای کتب انبیا) که نویسنده آن به طور واضح، معین و معلوم است. خود وی کتابش را امضاء کرده که از نظر بسیاری همین امر متأثر از رویه یونانی‌گرائی است. نام وی

## پیشگفتار کتاب بن سیراخ

یونانی است در «سراغاز»ی که نگاشته این مطلب را تذکر داده که کارش را پس از سی و هشتمین سال سلطنت اورژت (Evergete) که وی را باید همان بطلمیوس هفتم (۱۷۰-۱۱۶) دانست شروع کرده است، بدین ترتیب پس از سال ۱۳۲ ق.م (۱۳۲=۳۸-۱۷۰). می توان تخمین زد که پدربزرگ اثر خود را بایستی حدود ۵۰ سال پیشتر نوشته باشد.

از سوی دیگر بن سیراخ در سرودی پرشور به افتخار کاهن اعظم شمعون (۱۰۵-۲۴) که در زمان فتح اورشلیم توسط آنتیوخوس سوم در سال ۱۹۸ مصدر کار بوده است، با اطمینان از خاطره شخصی خود یاد می کند. از آنجا که در کتاب هیچ اشاره ای به وضع دلخراش پس از خلع او نیای سوم پسر شمعون در سال ۱۷۴ ق.م و شکنجه و آزار موحش از سوی آنتیوخوس اپیفان (۱۷۵-۱۶۴) دیده نمی شود، لذا می توانیم تاریخ نگارش این اثر را در دوران متغیر بین اشغال بیگانگان آزادی طلب و مبارزه شدیدی که منجر به شورش مکابیان در سال ۱۶۷ گردید قرار داد.

فلسطین، که حدود یک قرن (از سال ۳۰۱ ق.م) تحت سلطه بطلمیوسیان مصر بود در سال ۱۹۸ ق.م به دست قدرت سلوکیان سوریه (شام) افتاد. آنتیوخوس سوم (۲۲۳-۱۸۷ ق.م) و جانشین وی سلوکوس چهارم (۱۸۷-۱۷۵ ق.م) نسبت به یهودیان بسیار بارآفت و گذشت رفتار می کردند و برای آنان امتیازات و معافیت هایی قائل شده بودند و حتی در مراسم عبادت معبد نیز شرکت می کردند (۲-مک ۳:۳). کار بازسازی و مرمت معبد که در بنسی ۱:۵۰-۴ به آن اشاره شده با این نظریه هماهنگی کامل دارد.

فتوحات اسکندر نوعی تمدن را تحت

بارها با موانعی سخت روبه رو گشته بود که خداوند وی را از آن میان رهانیده بود (۱۲:۳۴، ۷-۱:۵۱) اما به نظر می رسد در کنار همسری که با تعقل کامل برگزیده بود (۲۷-۲۱:۳۶) و فرزندان که آنها را آن چنان تربیت کرده بود که از کجروی و خطاهایی آتی دور باشند (۷:۳۰-۱۳، ۵:۴۲)، رویهم رفته دارای زندگانی مرفه و سعادت‌مندی بوده است. به طوری که از لحن کلامش آشکار است (۱۹:۳۳) به نظر می رسد که وی در شهر اورشلیم دارای جایگاه عالی حکومتی بوده (۴:۳۹) و شاید در سازمانی که در آن زمان عهده دار اداره امور کشور تحت ریاست کاهن اعظم بوده مشارکت داشته است.

بدیهی است علی رغم دلبستگی که برای معبد، کهنات و عبادت داشته (۵:۵۰-۲۱) هیچ نشانه دیگری وجود ندارد که دال بر کهنات شخص وی بوده باشد. در پایان عمر مانند هر استادی تصمیم به انتشار دروس خود که صدها بار تکرار کرده بود می گیرد و سرانجام به این نتیجه می رسد که آموزش های خود را به صورت نوشته در دسترس عموم قرار دهد تا «دانش دوستان به نوبه خود با به کار بستن آنها هرچه بهتر در زندگانی منطبق با تورات پیشرفت یابند» (سراغاز). این ادعای وی وقتی کاملاً دیده و آشکار خواهد شد که موفق به ترسیم شرایط تاریخی یهودیت در این دوران شویم.

## تاریخ و شرایط تاریخی

بر اساس دو منبع می توان یقین حاصل کرد که بن سیراخ مقارن ۲۰۰ ق.م در اورشلیم می زیسته و اثرش متعلق به سال ۱۸۰ ق.م است. نوه وی که مترجم این کتاب به زبان

اشکال گوناگون به عنوان تمدن یونانی گرائی (هلنیسم) به جهان‌نیان عرضه می‌داشت. گرایشی جهانشمول (Oecumenique) این شیوه زندگی جدید را که به سرعت گسترش می‌یافت مورد تأیید قرار داده بود. اما به خاطر خود این ویژگی‌ها - آمیختگی فرهنگ‌ها، التقاط مذهبی، جهان‌بینی معطوف به محورهای نژادی و مذهبی، تجلیل نیروهای طبیعی و پرستش انسان- و بدین ترتیب که پیش می‌رفت دیری نمی‌پایید که هلنیسم، موجودیت یهودیت را زیر سؤال می‌برد. بن سیراخ با روحیه‌ای گشاده که خاص وی بود از استقبال برخی جنبه‌های فرهنگ یونانی از جمله برخی مفاهیم فلسفه رواقی روی گردان نبود ولی با وجود این کاملاً آگاه و هوشیار بود که در این جنبش‌های نوین فکری و اخلاقی، خطر برخورد با برخی مقتضیات و موجبات اساسی مذهبش نیز وجود دارد (بنسسی ۲: ۱۲-۱۴). وی در تشویش و اضطراب بسیاری از یهودیان پرهیزکار، در احساس و پیش‌بینی پایان دوران همزیستی مسالمت‌آمیز بین دو جهان بینی سهم بود. زمان انتخاب هرچه زودتر فرا رسید. در اورشلیم حتی اختیارات افراطی برخی از اعضای کهنات و اشراف به نظرش نوعی ارتداد آمد که محرک پیش‌بینی‌های تاریکی گردید که آینده نزدیک آن‌ها را اثبات نمود (ر.ک. ۱-مک ۱-۲).

## هدف کتاب

در برابر این خطرها، بن سیراخ به قصد دفاع از میراث مذهبی فرهنگی یهودیت و مفهومی که از خدا و جهان و گزینش ممتاز او داشت قلم به دست گرفت. وی در صدد آن برآمد تا همکیشان خود را مجاب کند که

## جنبه‌های برجسته مذهب بن سیراخ

اسرائیل در تورات خود که بر اساس وحی و الهام پدید آمده حکمت مسلم را نیز داراست، لذا مطلقاً نیازی ندارد که در آرزوی جهان‌نگشایی‌های واقعی اما دو پهلو و متناقض طرز تفکر و اندیشه یونانی برآید. وی نظرات خود را با ترکیب نمودن مذهب سنتی و حکمت عمومی که در تجربیاتش به غنا گرائیده بود شکل بخشید. مترجم یونانی با این خودآموز رفتار عملی یهود که در نظر داشت نسبت به آن وفادار باقی بماند، حوزه نفوذش را به همه کسانی که «در سرزمین‌های بیگانه مایل به یادگیری، اصلاح آداب و خلق خود و زندگانی طبق تورات هستند» گسترش داد. علی‌رغم فشار نیروهای مشرکان و وجود قدرت‌های فاسد درونی که فعال بودند، قوم برگزیده باید از خالی کردن جا در برابر یونانی‌گرائی که برای محور هویت اصیلش به پاخاسته بود از خود دفاع می‌کرد (ر.ک. ۱-مک ۱: ۱۱-۱۵). برابر بیان سنت یهود در برابر این مخاطره جدید، کتاب بن سیراخ به هر کس که با صمیمت خواهان آن بود تا در دنیایی که رو به تغییر است باز یهودی به شمار آید خطاب می‌کرد: این کتاب اثر فرد محافظه کار روشن‌بینی است که بر نجات و اصول آن تأکید می‌ورزد و می‌داند که تجاهل نسبت به وضع نوین هیچ دردی را دوا نخواهد کرد.

بسیار وسیعی از زندگانی مذهبی را دربرمی گیرد (۲: ۱۵-۱۷) و مفهوم پرهیزکاری فردی را نسبت به موجودی بی نهایت نیکو بیان می کند، اما تقدس خود ایجاب می کند که انسان برای دسترسی به آن از در تنگ اطاعت وارد شود. او خود را به صورت وفاداری نسبت به تورات بیان می دارد و عملاً معادل در وسیع «حکمت» است. برداشت سنتی که در اینجا راه حکمت را می بیند اکنون خود را تحت شکل ملموس عملی نشان می دهد که منجر به قاعده زندگانی دقیقی می گردد که در تورات مکتوب است (۱: ۲۶، ۶: ۳۷). بررسی شریعت به معنای خاص کلام «تورات» و پیگیری حکمت از این پس در یهودیت چون کوششی یکتا و بی سابقه بروز می کند. صفات و وظایف حکمت به تورات نسبت داده شده است (مبدأ الهی، نقش آن در آفرینش، تجسم شخصی آن) و نظریه ربی ها مبنی بر قبول وجود ازلی تورات تحت همان عنوان حکمت، تنها منجر به بیان بیشتر مفاهیم مندرج در کتاب بن سیراخ می گردد.

در برابر تکیه بن سیراخ به تورات، اشتباه خواهد بود که وی را به چشم پیامبر مذهبی قانون در نظر بگیریم. مفهومی که او از خدا و ارتباط های وی با بشر دارد کمتر بر حدس و گمان و بیشتر بر اساس تجربیات شخصی است و کافی است تا محرک پرهیزکاری و تقوایی اصیل گردد. او علیه برخی جریان ها از ایمان سنتی دفاع می کند، از جمله جاودانگی و یکتایی خدا (۱: ۱۸، ۴: ۳۶، ۲۱: ۴۲)، خدا صانع و خالق آفرینش کامل است (۲۱: ۴۲، ۲۴). علی رغم رازها و تناقض گوئی های آشکار، بن سیراخ نیز مانند مزمو رننگار، سرشار از ذوق و شوق است (۶: ۱-۲۴، ۱۴: ۱۸-۳۹: ۱۲-)

دوستی، صدقه، تعلیم و تربیت کودکان، زنان، پزشکان، بیماری، ثروت، فقر، بردگان، ضیافت ها و آداب و رسوم آن، تاریخ کهن اسرائیل، قربانی ها، عبادات، خدا، تورات، آفرینش، آزادی انسان و مرگ.

قبل از هر چیز باید بدانیم که در این کتاب با نوشته ای درباره حکمت سر و کار داریم (۱: ۱-۱۰؛ ۲۴؛ ۲۷: ۵۰؛ ۵۱: ۱۳-۳۰) که به عنوان میراث سنتی کهن در اسرائیل (۳۳: ۱۶-۱۸) پدید آمده است. تأثیر کتاب ایوب بر بن سیراخ آشکار است و به ویژه وی به صورت مفسر و شارح کتب امثال درمی آید (ر. ک ۱۸: ۲۹) که گاه به تفسیر و تعبیر و گاه به حل و فصل اندیشه هایی می پردازد که سلف وی در یک مصرع فشرده همه آن ها را جای داده بود. با وجود این، جنبه نوینی خودنمایی می کند: حکمت روحانی و جهانی گذشته بعد از این در ارتباط با تاریخ بنی اسرائیل معرفی شده، همان گونه که در ستایش پدران دیده می شود (۱: ۴۴-۱۶: ۴۹) و همچنین در بار ۳: ۹-۴: ۴) و باز وقتی حکمت به تجسم فرد در باب ۲۴ درمی آید موضوع قابل مقایسه با امثال ۸ و ایوب ۲۸ می گردد. ممکن است تلاش برای یافتن پاسخی به پرسش های برخاسته از ناحیه یونانی گرائی، نویسنده را وادار نموده که حکمت را با تورات که در صحرای سینا به بنی اسرائیل داده شد یکسان بدانند (۲۴: ۲۳ و در بار ۴: ۱). از آن پس مرد حکیم و مرد عادل در دید موشکاف و دقیق اراده الهی یکی محسوب گشته و او کسی است که خداترس باشد.

مضمون ترس از خدا به قدری تکرار شده که هر کس ناخواسته آن را آموزه مرکزی کتاب محسوب می کند. ترس از خدا در واقع بخشی

## پیشگفتار کتاب بن سیراخ

این اجر و پاداش هنوز هم در کتاب بن سیراخ محدود به افق زمینی و بهره مندی از سعادت‌ی بارور، بر حسب هش سنتی آن است یعنی سلامت تن و زندگانی دراز، اولاد متعدد، آسایش و نام نیک. وی نیز چون گذشتگان خود در ماورای این جهان جزوادی تیره و تار مردگان (هاویه) به صورت موجودیتی تقلیل یافته، بدون امید بازگشت به نور زندگان، چیزی نمی بیند. اندکی بعد از وی، تحت تأثیر نفوذ اندیشه یونانی (و بی تردید ایرانی) و تحت ضربات آزار و ایذاء مذهبی، اندیشه جاودانگی و رستاخیز روح به میان می آید (۲-مک ۷:۹؛ دان ۱۲:۲-۳). در زمانی که مترجم زبان یونانی، اثر پدر بزرگ خود را مجدداً تعبیر می کرده (۱۱:۴۸) این موضوع مورد اتفاق و قبول همگان بوده است. همچنین به نظر می رسد که نوه بن سیراخ بر پاداش بی دینان در آن جهان تأکید می ورزد (۱۷:۷) اما خود بن سیراخ به علت فقدان دیدگاهی درباره «امیدی سرشار از جاودانگی» (حک ۴:۳) و ابرام درباره تقدیر شوم مرگ (۷:۸؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۷:۲۸؛ ۳:۴۱)، در بسیاری از قسمت‌های کتاب لحنی دارد که خواننده را از شبهه بیرون می آورد (۱۱-۱:۴۰). امیدهای زندگانی آخروی بن سیراخ نیز محدود به افقی زمینی، سیاسی-ملی گشته و دیده می شود که مفسران در یافتن نشانه‌های دقیق از مسیحی داودگونه به زحمت افتاده‌اند درحالی که اندیشه‌های مسیحایی آن همه در اسرائیل بسط و توسعه یافته بود. تنها نیایش بن سیراخ ۱۷-۱:۶ قادر به مداومت طنین آن بود اما تعبیر و تفسیر وی محل بحث دارد. تلقی بن سیراخ از اندیشه رستاخیز، علاقمندی وی به عبادت، احترام او نسبت به کهنات صدوقیان (ر.ک. ۱۲:۵۱ در نسخه

۳۵؛ ۴۲:۴۳۱۵؛ ۳۳)؛ خدا بر همه چیز واقف است (۴۲:۱۸-۲۵)، در یک کلام او «همه چیز» است (۴۳:۲۷). وی بر پهنه کیهان باعدالت و حکمت الهی (۱۶:۱۷-۲۳) و با تعیین قبلی زمان وقوع هر امری و اعطای پاداش و سزای منصفانه (۳۳:۱۳) حکم می راند. وی همچنین بخشاینده‌ای است که می بخشاید (۲:۱۱)، در یک سخن، خدا نه تنها پدر قوم بنی اسرائیل و خدای وی به معنای دقیق کلمه است (۱۷:۱۷؛ ۱۲:۲۴) بلکه خدای همه انسان‌ها نیز هست (۲۳:۱). این نکته آخرین پیشرفت قابل ملاحظه در الهیات یهودیت است. وضع بن سیراخ در برابر آفریدگار سرشار از ایمانی خلل ناپذیر است که خود بیان کننده منزلت والای نیایش در کتابش می باشد. تقوی و پرهیزکاری وی پایه خوش بینی ذاتی است (۳۰:۲۱-۲۵) که می داند چگونه بر مشکلات که عیناً بر وجود آنان آگاه است و نیز بر برخی محدودیت‌ها درباره تقدیر آدمی و سرنوشت وی غالب آید.

در این دوران، فلاسفه با ایمان به الوهیتی نیکوکار و قدرتمند، در صدد مصالحه آزادی انسان و وجود شر بودند. نمی توان گفت که پاسخ بن سیراخ در این مورد خیلی رضایت بخش بوده است زیرا وی به محکم گرفتن دو سوی تناقض بسنده کرده است. انسان آزاد خلق شده (۱۵:۱۴) و منشأ بدی (۲۱:۲۷؛ ۲۵:۲۴) در انسان است نه در خدا (۱۵:۱۱-۱۳)، در تمایلات شریرانه قلبی که در مبحث انسان شناسی ربی‌ها نقش به سزایی برای توضیح گناه دارد. انسان به هر تقدیر می تواند بر آن غالب شود (۳۱:۱۰) و اگر پیروز گردد اجر و پاداش به سزایی از خدا دریافت خواهد کرد.

## پیشگفتار کتاب بن سیراخ

شده باشد: بخش نیکان و بخش بدان یا معادل آنان حکیمان و ابلهان (۲۸:۱۱-۲۸). باوجود این، نشانه‌های بارزی از حساسیتی نوین در یهودیت و برخی گسترش‌ها درباره عفو و بخشش (۲۷:۳۰-۲۸:۷) دارای خطوط موازی خود در انجیل می‌گردند. شاید هم حتی مفهوم «همنوع» به عنوان هر انسان (۴:۵-۵) از همان آغاز اعلام‌کننده نظریه‌ای است که همه انسان‌ها را چون برادر دربرمی‌گیرد. تفسیر مذهبی یهودیت باستان، گاه نیز دربردارنده لاو ۱۹:۱۸ بوده که به معنای «همنوع خود را مثل خویشان محبت نما» می‌باشد.

### طرح کتاب

مفسرین، کمتر درباره طرح این کتاب با هم توافق دارند. باید به یاد داشت که بن سیراخ فردی سامی و استاد حکمت است که برحسب معیارهای بسیار گوناگون و متفاوت نسبت به عصر ما دست به تألیف این کتاب زده است. با جمع‌آوری یادداشت‌های وی، این نوشته‌ها به صورت آموزشی شفاهی بر اساس مضامین پی‌درپی حاوی گریزها و پیچش‌های بسیار و همچنین قطعات پراکنده زیادی بدون ساختاری معین درآمدند. در این مورد هیچ طرح منظمی وجود ندارد. اما دو قسمت را می‌توان مدنظر قرار داد: ۱-۲۳ و ۲۴-۵۰، که هر یک با مدح و ستایشی درباره حکمت آغاز می‌شود. باب ۵۱ حاوی دو پیوست است: یکی سرودی درباره شکرگزاری و دیگری شعری درباره جستجوی حکمت.

از دید برخی، یک بخش مقدماتی نیز وجود دارد (۱-۴۲:۱۴) که متشکل از جملاتی از هر نوع است که در اطراف مدح و ستایشی

عبری) و از سوی دیگر فقدان مرجعی صریح درباره اندیشه مسیحایی که در محافل فریسیان از آن همه نفوذ و گسترش بهره‌مند بود، باعث پیوند وی به نوعی مکتب پیش از صدوقیان شده بود. در واقع می‌توان آن را در خط این جنبش محافظه‌کارانه و ملی‌گرایانه وابسته به تورات مکتوب جای داد. اما این از سر اشتباه خواهد بود که آن را به راحتی و سادگی با صدوقیان همسان دانست که همه آن‌ها را از راه اناجیل می‌شناسیم و فلاویوس ژوزف (یوسفوس) قبل از انشقاق یهودیت به فرقه‌های مختلف، به وجود آن‌ها آشنایی داشته است.

به نسبت ملل مشرک، بن سیراخ روشی کاملاً یهودی در پیش می‌گیرد. پس از برخی پیش‌درآمدهای جهانشمولی در نزد انبیاء، مشکلات دوران پس از تبعید بنی اسرائیل را به سوی انحصارطلبی کشاند که اندیشه مبنی بر برگزیده بودن و همچنین مقتضیات عملی زندگانی برحسب تورات (ختنه، حرمت روز شنبه، قواعد نظافت، اغذیه و آداب و رسوم مذهبی) از جمله آن‌هاست، که اندک‌اندک مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد. مفهوم گرایش به فرهنگ و تمدن یونانی و انسان‌شهروند جهانی که در آن زمان باب روز بود باعث جریحه‌دار شدن غرور نویسنده به خاطر وابستگی وی به نژاد برگزیده که حکمت در میان وی خیمه‌اش را برافراشته بود نشد (۷:۲۴ و ادامه). او توصیه می‌کند که اساساً از بی‌دینان جدا شوند (۱۱:۳۳؛ ۱۲:۱۴؛ ۱۳:۱۷) و این همان شیوه‌ای بود که اسنیان قمران به شدت مراعات می‌کردند و شاید هم احتمالاً عنوان فریسی همین معنا را داشته باشد (فریسیان = جدا شدگان [معتزله]). بدین ترتیب به نظر می‌رسد جهان به دو بخش تقسیم

## پیشگفتار کتاب بن سیراخ

همیشه امر آسانی نیست) هم با احتیاط‌ها و طعن و ناسزاهای تند بر آن‌ها شهادت می‌دهد. بن سیراخ همچنین شاهدهی معتبر درباره پایه‌گذاری کمابیش پایان یافته نوشته‌ای برحق از متون مقدس است. پیشگفتار نشان دهنده توزیع سه بخشی کلاسیک («تورات، انبیاء و دیگر نویسندگان» ر.ک. ۱:۳۹-۳) است و کتاب کمابیش به صراحت به کتب پنج‌گانه، یوشع، سموئیل، پادشاهان، تواریخ، ارمیا، حزقیال، انبیاى کوچک دوازده‌گانه (به خصوص ملاکی و حجی) و نحمیا، اشاره دارد یا از آن‌ها روایت می‌کند. مزامیر به داود و امثال به سلیمان نسبت داده شده است.

عیسی بن سیراخ به یکی از مؤلفان ممتاز یهودیت مبدل شده است: بن سیراخ اغلب در تلمود نقل گردیده و در نزد نویسندگان قرون وسطی این اثر به موازی بررسی‌های اساسی ادبیات یهود، گفتار پدران (Pirqé Aboth) قرار می‌گیرد. ارجاع به نوشته‌های کلاسیک درباره حکمت کهن شرق میانه (چون داستان اخیقر ر.ک. طو، پیشگفتار) و به متون بسیار قدیمی یهود که در بخش یادداشت‌ها آمده به وضوح این جنبه سنت‌گرا و در عین حال خلاق بن سیراخ که به مثابه کاتب مذکور در انجیل است که «از گنجینه خود چیزهای کهنه و نو بیرون کشد» (مت ۱۳:۵۲) دیده می‌شود.

همچنین نفوذ کتاب حکمت بن سیراخ بر متون مهم آیین نیایشی یهود مورد تأیید قرار گرفته، مانند عید بخشایش بزرگ (یوم کبیور) و نیایش برکات ۱۸ گانه که بیانگر توازی‌های قابل ملاحظه‌ای با ۱:۳۶-۱۷ است.

از دید عهدجدید توازی‌های بسیار (به ویژه با نامه یعقوب) ثابت می‌کند که بن سیراخ در

مداوم از حکمت دائم مورد تذکر و اشاره قرار می‌گیرد (۱:۱-۲۰؛ ۴:۱۱؛ ۶:۱۸؛ ۸:۸ و غیره)، سپس تعمق و تفکری در باب اعمال خدا در آفرینش و در تاریخ می‌آید (۱۵:۴۲-۵۰:۲۹). برای روشنی مطلب بهتر آن است که بخش‌های زیرین را از هم متمایز سازیم:

### سرآغاز

الف) ۱:۱-۱۶:۲۳

ب) ۱۶:۲۴-۲۳:۲۷

ج) ۱-۲۴:۱۳-۳۲

د) ۱۴:۳۲-۴۲:۱۴

ه) ۱۵:۴۲-۲۴:۵۰

آخرین گفتار ۲۵:۲۹-۵۰

پیوست‌ها ۵۱:۱-۳۰.

## درباره اهمیت اثر

اهمیت کتاب حکمت بن سیراخ در این است که شاهد دوران انتقالی است که در آن خطوط خاص آیین یهودیت ترسیم می‌شوند تا حدی که این خطوط، معرف شکل تازه‌ای از مذهب کتاب مقدس می‌گردد که در بالا مطالب مربوط به آن را مرور کردیم. بن سیراخ ما را از جوانب اساسی یهودیت مختلف‌الشکل که مسیحیت از آن ریشه گرفته آگاه می‌گرداند. این آیین از یهودیت ربی‌ها که تفوق و نفوذ فریسیان (پس از ۷۰ میلادی) به آن جنبه‌ای یکپارچه بخشید بسیار متفاوت است. تحت این عنوان، اثر وی همزمان با اوج ادبیات وسیع تحریفی عهد عتیق و نوشته‌های مکشوفه در این باره که قریب یک ربع قرن بود در صحرای یهودیه به دست آمده بود مورد بررسی قرار می‌گرفت. درباره برخوردار یونانی-یهودیت هم با اقتباس‌ها (که تشخیص آن‌ها



## پیشگفتار کتاب بن سیراخ

قاهره را تأیید می‌کرد.  
فهرست بخش‌هایی که اکنون به زبان  
عبری در دسترس است به شرح زیر است:  
۱: ۱۹-۲۰ (قمران)  
۳: ۶-۱۶: ۲۶  
۱۸: ۳۱-۱۹: ۲  
۲۰: ۵-۷، ۱۳  
۲۵: ۸، ۱۳، ۱۷-۲۴ الف  
۲۶: ۱-۳، ۱۳-۱۷  
۲۷: ۵-۶، ۱۶  
۳۰: ۱۱-۱۳: ۳۴  
۳۵: ۱۱-۳۸: ۲۷ ب  
۳۹: ۱۵-۵۱: ۳۰

دو حالت مشخص در متون عبری یافت شده  
دیده می‌شود: قدیمی‌ترین آن‌ها که به عنوان  
پایه ترجمه یونانی در قاهره مقارن ۱۳۰ ق.م  
توسط نوه بن سیراخ مورد استفاده قرار گرفته  
(به یونانی I)، درحالی که نسخه‌ای تجدید نظر  
شده در راستای اندیشه‌های فریسی (بین ۵۰ و  
۱۵۰ میلادی) برای تجدید نظر متن یونانی بین  
سال‌های ۱۳۰ و ۲۱۵ میلادی (به یونانی II)  
مورد استفاده قرار می‌گرفته، تجدید نظری که  
در یک سلسله از دست‌نوشته‌های یونانی مورد  
شهادت قرار گرفته است. متن سریانی همچنین  
به این تجدید نظر عبری باز می‌گردد.

متن پیش‌رو از زبان فرانسه و از روی  
نسخه انتشارات زیگلر (گوتینگن ۱۹۶۵)  
به علاوه توضیحات اضافی نسخه یونانی II که  
به جهت اهمیت قدمت آن تهیه شده است. متن  
یونانی شاهدهی ممتاز بر اصل عبری آن است و  
تحت همین شکل بوده که کتاب بن سیراخ  
توسط روایات یهودی و مسیحی مورد استقبال  
قرار گرفته است. از این نقطه نظر،

نزد مسیحیان اولیه از احترام بسیاری بهره‌مند  
بوده است و نام «جامعه یا کلیسا» که بر این  
کتاب بر حسب سنت نهاده شده بیانگر این  
مطلب است، سپس بعد از برخی تردیدها این  
کتاب جزو متون برحق متأخر جای می‌گیرد. پس  
از آن که در اسکندریه جزو متون مذهبی  
جای گرفت علی‌رغم توقیر و احترامی که برای  
آن قائل شده بودند از سوی مصادر امور  
فریسی، این کتاب به علت منشأ متأخر آن و  
شاید به علت اندیشه‌ای که در تطابق کامل  
با اصالتی که پس از سال ۷۰ مستقر گردید  
نبود، مردود شناخته شد. این تصمیم تردیدهای  
مسیحیان را در قرون اول مسیحی تبیین و  
همچنین تاریخ پیچیده نقل و انتقال متون را  
مورد توجه قرار می‌دهد.

### نقل و انتقال متن

اصل این کتاب به عبری نوشته شده است و  
ژروم قدیس در قرن چهارم میلادی نسخه‌ای از  
آن را در دست داشته است که بعداً به کلی  
مفقود گردید، مگر استثنائاً روایت‌های  
حاخامی از آن در دست بوده که بسیاری از میان  
آن‌ها به مجموعه اشعار باز می‌گردند. به هر  
تقدیر در اواخر قرن نوزدهم در یکی از  
بخش‌های فرعی کنیسه قاهره قطعاتی به زبان  
عبری حاوی تقریباً دو سوم متن یونانی پیدا  
شد. مهم‌ترین آن‌ها دست‌نوشته‌های الف و ب  
و هستند که در سال ۱۹۱۰ توسط اس. شختر  
انتشار یافت. بخش‌هایی کمتر از همان منشأ  
بعداً مورد شناسایی قرار گرفت. بخش‌های  
دیگری نیز به زبان عبری که کمابیش از اهمیت  
برخوردار بودند در ناحیه قمران و در قلعه  
ماسادا که در سال ۷۳ به دست رومیان افتاده  
بود، کشف شد که اصالت واقعی نوشته‌های

## پیشگفتار کتاب بن سیراخ

مورد تأکید قرار داده برگزیده ایم. لذا ارتباط‌های زیرین را بین نسخه‌های قدیم و شماره‌گذاری‌های حاضر که بر اساس شماره‌گذاری زیگلر است به شرح زیر می‌آوریم:

۴۰-۲۵:۳۰

۳۱

۳۲

۱۱۳-۱:۳۳ الف

۱۳:۳۳ ب

۳۴

۳۵

۱۱۶-۱:۳۵ الف

در دورانی که یهودیان و مسیحیان در صدد بازگشایی‌گفت و شنودی بین خود هستند، باید دانست که ادبیات خاص یهود از دید مسیحیان بسیار ناشناخته است. این کتاب کوچک حکمت که سالیان دراز سنت یهود را تغذیه کرده و پس از دو هزار سال، مضامین بسیار درباره تفکر و نیایش مسیحی فراهم آورده، باز قادر است درهایی از جهان تفکر و اندیشه را که باعث خواهد شد امروز خیلی بهتر باز پیام عهدجدید را دریابیم بر ما بگشاید.

پیشرفت‌های الهیاتی که این متن نسبت به متن عبری (در صورت امکان مقایسه) عرضه می‌کنند حاوی تحول اندیشه‌های مذهبی در اسرائیل است. برخی انطباق‌ها بر زمینه‌ای الهیاتی، تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی مختلف مبین نسخه‌های متفاوت است که در بخش توضیحات سعی شده علل آن توضیح داده شود. برخی انطباق‌ها نتیجه‌گرایی تفسیری یهود (میشنا) است که درباره فعلیت بخشیدن ب کلام خدا در مورد نیازهای یک جامعه زنده تأکید دارد و سعی دارد مانع از آن شود که نوشته مقدس تبدیل به جسدی بی‌جان گردد.

قطعات عبری هر بار که اجازه تفسیر روایات مبهم به زبان یونانی را می‌داده مورد استفاده قرار گرفته است و در توضیحات، نکات جالب در پس آن به خاطر اهمیت محتوای مذهبی ذکر شده و در مورد نسخه سریانی و لاتینی نیز همین گونه است. پیشنهاد ترجمه‌ای از روی نسخه عبری که شواهد آن از ارزش نامتساوی برخوردارند و افزوده بر آن، تنها بخشی از نسخه اصلی را در بر می‌گیرد کار را منجر به ارائه متنی مخلوط کرد که انتخاب و ارائه آن بدون وفور نکات توضیحی و انتقادی بیشتر، توجیه ناپذیر می‌بود.

سرانجام این نکته را نیز بیفزاییم که دست نوشته‌های یونانی حاوی مطالب منقول از دو جزوه بوده و به یک نسخه اصیل اولیه می‌رسیده است. از جمله بخش ۱۶:۳۳ تا ۱۰:۳۶ الف پس از ۲۴:۳۰ و بخش ۲۵:۳۰ تا ۱۶:۳۳ الف دنباله ۱۰:۳۶ الف قرار گرفته است. به همراه ویراستاران مدرن زبان یونانی در نسخه خود نظم اولیه‌ای را که نسخه سریانی و نسخه لاتینی دارا بوده و نسخه عبری آن را

## پیشگفتار کتاب بن سیراخ

این اجر و پاداش هنوز هم در کتاب بن سیراخ محدود به افق زمینی و بهره‌مندی از سعادت‌ی بارور، بر حسب هتش سنتی آن است یعنی سلامت تن و زندگانی دراز، اولاد متعدد، آسایش و نام نیک. وی نیز چون گذشتگان خود در ماورای این جهان جزوادی تیره و تار مردگان (هاویه) به صورت موجودیتی تقلیل یافته، بدون امید بازگشت به نور زندگان، چیزی نمی‌بیند. اندکی بعد از وی، تحت تأثیر نفوذ اندیشه یونانی (و بی‌تردید ایرانی) و تحت ضربات آزار و ایذاء مذهبی، اندیشه جاودانگی و رستاخیز روح به میان می‌آید (۲-مک: ۷؛ ۹؛ دان ۱۲: ۲-۳). در زمانی که مترجم زبان یونانی، اثر پدر بزرگ خود را مجدداً تعبیر می‌کرده (۱۱: ۴۸) این موضوع مورد اتفاق و قبول همگان بوده است. همچنین به نظر می‌رسد که نوه بن سیراخ بر پاداش بی‌دینان در آن جهان تأکید می‌ورزد (۱۷: ۷) اما خود بن سیراخ به علت فقدان دیدگاهی درباره «امیدی سرشار از جاودانگی» (حک ۴: ۳) و ابرام درباره تقدیر شوم مرگ (۷: ۸؛ ۱۷: ۱۴؛ ۱۷: ۲۸؛ ۳: ۴۱)، در بسیاری از قسمت‌های کتاب لحنی دارد که خواننده را از شبهه بیرون می‌آورد (۱۱: ۴۰-۱۱). امیدهای زندگانی آخروی بن سیراخ نیز محدود به افقی زمینی، سیاسی-ملی گشته و دیده می‌شود که مفسران در یافتن نشانه‌های دقیق از مسیحی داودگونه به زحمت افتاده‌اند درحالی که اندیشه‌های مسیحایی آن همه در اسرائیل بسط و توسعه یافته بود. تنها نیایش بن سیراخ ۱۷-۱۰: ۶ قادر به مداومت طنین آن بود اما تعبیر و تفسیر وی محل بحث دارد. تلقی بن سیراخ از اندیشه رستاخیز، علاقمندی وی به عبادت، احترام او نسبت به کهانت صدوقیان (ر.ک. ۱۲: ۵۱ در نسخه

۳۵؛ ۴۲؛ ۴۳: ۱۵؛ ۳۳)؛ خدا بر همه چیز واقف است (۴۲: ۱۸-۲۵)، در یک کلام او «همه چیز» است (۴۳: ۲۷). وی بر پهنه کیهان باعدالت و حکمت الهی (۱۶: ۱۷-۲۳) و با تعیین قبلی زمان وقوع هر امری و اعطای پاداش و سزای منصفانه (۳۳: ۱۳) حکم می‌راند. وی همچنین بخشاینده‌ای است که می‌بخشاید (۲: ۱۱)، در یک سخن، خدا نه تنها پدر قوم بنی اسرائیل و خدای وی به معنای دقیق کلمه است (۱۷: ۱۷؛ ۲۴: ۱۲) بلکه خدای همه انسان‌ها نیز هست (۲۳: ۱). این نکته آخرین پیشرفت قابل ملاحظه در الهیات یهودیت است. وضع بن سیراخ در برابر آفریدگار سرشار از ایمانی خلل ناپذیر است که خود بیان‌کننده منزلت والای نیایش در کتابش می‌باشد. تقوی و پرهیزکاری وی پایه خوش‌بینی ذاتی است (۳۰: ۲۱-۲۵) که می‌داند چگونه بر مشکلات که عیناً بر وجود آنان آگاه است و نیز بر برخی محدودیت‌ها درباره تقدیر آدمی و سرنوشت وی غالب آید.

در این دوران، فلاسفه با ایمان به الوهیتی نیکوکار و قدرتمند، در صدد مصالحه آزادی انسان و وجود شر بودند. نمی‌توان گفت که پاسخ بن سیراخ در این مورد خیلی رضایت‌بخش بوده است زیرا وی به محکم گرفتن دو سوی تناقض بسنده کرده است. انسان آزاد خلق شده (۱۵: ۱۴) و منشأ بدی (۲۱: ۲۷؛ ۲۵: ۲۴) در انسان است نه در خدا (۱۵: ۱۱-۱۳)، در تمایلات شریرانه قلبی که در مبحث انسان‌شناسی ربی‌ها نقش به‌سزایی برای توضیح گناه دارد. انسان به هر تقدیر می‌تواند بر آن غالب شود (۳۱: ۱۰) و اگر پیروز گردد اجر و پاداش به سزایی از خدا دریافت خواهد کرد.

# کتاب بن سیراخ

## سرآغاز

### ( قسمت اول )

اصطلاحات را برسانیم به دیده اغماض نگاه کنید. زیرا آنچه به زبان عبری بیان گشته وقتی به زبانی دیگر ترجمه می شود دارای همان قدرت بیان نیست. این امر فقط در مورد این کتاب مصداق نمی یابد، خود تورات، انبیاء (۲۵) و دیگر کتاب ها نیز وقتی به زبان اصلی خوانده می شوند دارای تفاوت های قابل ملاحظه ای هستند.

در سال سی و هشت سلطنت اورژت<sup>Y</sup> پادشاه که به مصر رفته و در آنجا اقامت گزیده بودم یک نسخه<sup>Z</sup> از این تعلیمات مهم را یافتم. (۳۰) بسیار ضروری دانستم که من هم سعی و همتی در کار ترجمه این کتاب به عمل آورم. شب های دراز و دانش بسیاری در این برهه از زمان وقف کردم تا کار را به سرانجامی نیکو برسانم و کتاب را برای استفاده کسانی که در سرزمین بیگانه هم می خواهند تعلیم یابند منتشر کنم (۳۵) برای اصلاح آدابشان و برای زندگانی منطبق بر تورات.

(۱) از آنجا که تورات، انبیاء و سایرین که پس از آن ها آمده اند<sup>W</sup>، درس هایی بزرگ و بیشمار به ما داده اند که شایسته است بنی اسرائیل را به جهت تعلیمات و حکمت آن ستایش کرد و چون باید خوانندگان نه فقط خود دانشمند گردند، (۵) بلکه دانش دوستان بتوانند برای آنان که در خارج اند<sup>X</sup> با سخنان و نوشته هایشان مفید باشند.

[لذا] پدر بزرگ من عیسی که مدت ها خود را به خواندن تورات و انبیاء (۱۰) و دیگر کتاب های پدرانمان سپرده و در آن ها مهارتی به سزا کسب کرده بود، خود وی نیز به نوشتن موضوعات تعلیماتی و حکمتی پرداخت تا دانش دوستان به نوبه خود با به کار بستن آن ها هر چه بهتر در زندگانی منطبق با تورات پیشرفت یابند. (۱۵) لذا شما دعوت شده اید با حسن نیت و دقت به خواندن آن بپردازید و به قسمت هایی که (۲۰) علی رغم کوشش های ما در ترجمه، به نظرمان می رسد که نتوانسته ایم برخی

W- نخستین نظر اجمالی شناخته شده درباره متون برحق آتی از کتاب های مقدس. سه طبقه بندی متداول است: تورات، انبیاء و دیگر کتاب ها. این نوشته ها قبلاً به زبان یونانی ترجمه شده اند (آیات ۲۴-۲۶). این تأکید خاص سرآغاز نیست، خود کتاب برخی از عناصر یا موارد این متون برحق را بر می شمارد (ر.ک. ۲۴:۴۸ توضیح: ۹:۴۹-۱۱)، از سوی دیگر اغلب در ترجمه از واژه های ترجمه یونانی کتاب های پنج گانه و از میا استفاده شده است (بنسی: ۷:۴۹).

X- آنان که در خارج اند. این اصطلاح ممکن است هم به معنای یهودیان پراکنده یعنی یهودیانی که در سرزمین بیگانه به سر می برند باشد (سرآغاز آیه ۳۴) و هم مشرکان، یعنی کسانی که متعلق به آن جامعه نیستند (ر.ک. مر. ۴:۱۱-۱:۱۲:۵). در اینجا منظور جامعه بنی اسرائیل است یا بت پرستان (خارجیان [غیرخودی]) یا کسانی که درس و مشق کاتبان را نیاموخته اند (ر.ک. یو. ۷:۱۵) معلوم نیست اما معنای سوم بیشتر محتمل است.

Y- ر.ک. پیشگفتار، تاریخ و وضع تاریخی.

Z- واژه یونانی که «نسخه» ترجمه شده به صورت موصوف در جاهای دیگر دیده نمی شود. به عنوان صفت به معنای «غیر شبیه» است. با خواندن متن با اندک تغییری از دید برخی این معنا را می دهد: دریافتیم که تعلیمات (در مصر) کاملاً متفاوت (از ما) بود.

## بخش الف

## سرّ حکمت

- ۱ تمام حکمت از خداوند است<sup>a</sup> امث ۲:۶
- و [حکمت] همواره با اوست.
- ۲ ریگ دریاها، قطرات باران،
- روزهای ابدیت را چه کسی تواند شمارش کرد<sup>b</sup>؟
- ۳ بلندی آسمان، گستره زمین،
- ژرفنای هاویه<sup>c</sup> را چه کسی تواند تفحص کند؟
- ۴ حکمت پیش از همه چیز آفریده شد
- و هوش محتاط<sup>d</sup> از ازل.
- ۵ ریشه<sup>e</sup> حکمت بر چه کسی آشکار شده
- و نیت های محرمانه اش را چه کسی هرگز شناخته است؟
- ۸ تنها یک تن حکیم است و بسیار هولناک،
- آن که بر تخت خویش نشسته است.
- ۹ خود خداوند او را آفریده،
- آن را دیده و برشمرده است
- و آن را بر تمام اعمال خود گسترده،
- ۱۰ آن را به هر کس به تناسب موهبتش
- و به کسانی که او دوستشان دارد<sup>h</sup> ارزانی نموده است<sup>g</sup>.
- یول ۳:۱-۲:  
اع ۲:۱۷-  
۳۳، ۱۸

ترس خداوند<sup>i</sup>

- ۱۱ ترس خداوند، افتخار، سرافرازی،  
شعف و تاج شادی است.

- a- مترجم اغلب از واژه خداوند برای رساندن معنای نام های الهی یهوه، الوهیم (= خدا) علیون (= قادر متعال) استفاده می کند و به ندرت کلمه خدا را به کار می برد.
- b- بخش بزرگی از این آیه از کتاب رازهای خنوخ ۴۷:۵ بازسازی شده است.
- c- ژرفنای هاویه: با ترجمه لاتین و با تأکید زبان های سریانی- یونانی: هاویه و حکمت.
- d- وجود ازلی و از پیش حکمت از مضامین رایج در کتب حکمت است. ایوب ۲۸:۱۲-۲۳ امث ۸:۲۲-۳۱: بار ۲۰:۳۲-۳۲.
- e- در توضیح به آیاتی اشاره می کنیم که در برخی نسخ یونانی وجود ندارند: ۵ سرچشمه حکمت، سخن خداست در رفیع ترین آسمان ها/ و راه های وی فرمان های جاودان است.
- f- معرفت حکمت بر چه کسی نمایان شده/ و گوناگونی راه هایش را چه کسی هرگز شناخته است؟
- g- سریانی: تکثیر کرده است یعنی پراکنده است. ایده ای مصطلح در زبان یونانی.
- h- برخی دست نوشته های یونانی می افزایند: محبت خداوند خود حکمتی پرشکوه است، سهم هر کس را به اندازه ای که در نظر دارد ارزانی می دارد.
- i- ترس خداوند در رفتار مومن در برابر خدایش خلاصه می شود، رفتاری توأم با محبت و اطاعت. این امر از جایگاه قابل توجهی در الهیات بن سیراخ بهره مند است و در پیوند تنگاتنگ با حکمت می باشد (ر. ک. آیه ۱۴).

- ۱۲ ترس خداوند دلفریب است،  
 شعف و شادی و عمر دراز می بخشد.<sup>j</sup>  
 ۱۳ هر کسی از خداوند بترسد سرانجامی نیکو خواهد داشت  
 و در روز مرگش مبارک خواهد شد.<sup>k</sup>  
 ۱۴ ترس خداوند، آغاز حکمت است<sup>l</sup>  
 و برای ایمانداران، از بطن مادر با ایشان آفریده شده است.  
 ۱۵ او در بین انسان ها آشیانه خود را ساخته و پی ریزی جاودان کرده  
 و با نژاد ایشان وفادار خواهد ماند.<sup>m</sup>  
 ۱۶ کثرت حکمت، ترس خداوند است،  
 او خویشانش را به میوه هایش سرمست می دارد.  
 ۱۷ سرهایشان را از اموال گرانبها  
 و انبارهایشان را از فرآورده هایش لبریز می گرداند.  
 ۱۸ تاج حکمت، ترس خداوند است،  
 حکمت رفاه و سلامت<sup>n</sup> کامل می آورد.  
 ۱۹ وی آن را دیده و برشمرده است،  
 وی دانش و فطانت را بارانیده  
 و شکوه آنانی را که بدان پیوسته اند ستوده است.  
 ۲۰ ریشه حکمت، ترس خداوند است  
 و شاخه هایش طول ایام<sup>p</sup>.

امت ۴: ۱۰

امت ۸: ۳۱  
 بار ۳: ۳۸

### صبر و خویشتن داری

- ۲۲ عصبانیت نادرست توجیهی ندارد،  
 زیرا وزنه بی قراری<sup>q</sup> سقوط را به همراه دارد.

[j- در نسخه سریانی به جای عمر داراز «عمر جاودان» ترجمه شده است، دقت نظری که فرای افق معمولی نویسنده کتاب است. برخی نسخ یونانی می افزایند: ترس خداوند خود موهبتی خدائی است، اوست [ واژه یونانی به صیغه مونث] که بر راه های پرپیچ و خم محبت مستقر است.  
 k- متن، امید پایانی از زندگانی خوشبخت را بر زمین مدنظر دارد. اگر مترجم یونانی از آن معنای تبرک الهی در روز مرگ را درک کرده، ضمناً می تواند معنای سزا و پاداش آخرت را هم مدنظر داشته باشد.  
 l- بسط و تفصیل درباره رابطه ترس و حکمت که از مضامین کهن است: مز ۱۱۱: ۱۰؛ ایوب ۲۸: ۲۸؛ امث ۱: ۷، ۹؛ ۱۰: ۵، ۲۳.  
 m- یا: حکمت مسئول تسلش خواهد بود.  
 n- همه چیز به منظور آرامش و صفا از مواهب خداست، بزرگ منشی موجب رفاه است (به ترجمه دیگر: موجب افزایش بزرگ منشی می شود).  
 o- برخی دست نوشته ها فاقد جمله: «وی آن را دیده و برشمرده است» می باشند.  
 p- برخی نسخ می افزایند: ۲۱ ترس خداوند گناه را دور می کند/ و هر که آن را نگاه دارد، خشم را برمی گرداند. منظور از خشم البته خشم الهی است: ر. ک. مز ۲۴: ۱۸؛ ۱: ۱۵.  
 q- تحت اللفظی: بیقراری وی.

۲۳ انسان صبور تا لحظه مناسب تحمل می کند،  
 اما سرانجام شغف به وی روی می آورد.  
 ۲۴ تا لحظه مناسب سخنانش را پنهان می دارد  
 و چه بسا لب ها که از خرد وی خواهند گفت.

### حکمت و راستی

۲۵ در گنجینه های حکمت امثال حکیمان ه ای است،  
 اما نزد گناهکار پرهیزکاری مکروه می باشد.  
 ۲۶ آیا طالب حکمت هستی؟ فرامین را نگاه دار<sup>r</sup> ۲۰:۱۹  
 و خدا آن را به تو خواهد بخشید.  
 ۲۷ زیرا حکمت و تعلیم، ترس خداوند است  
 و آنچه خوشایند اوست وفاداری و محبت است.  
 ۲۸ از ترس خداوند روی مگردان  
 و با قلبی «قلب»<sup>s</sup> به سویش نیا. ۸-۶:۱  
 ۲۹ در برابر مردم ریاکار مباش  
 بلکه لب هایت را نگاه دار.  
 ۳۰ خویشتن را برمیافراز، مبدا افتاده  
 خود را بی آبرو کنی،  
 زیرا خداوند با آشکار کردن راز هایت،  
 تو را در میان جمع<sup>t</sup> از پای خواهد افکند،  
 زیرا به ترس خداوند دست نیافتی  
 و قلب تو مملو از حيله بوده است.

### ترس از خدا در تجربه<sup>u</sup>

۱ ای فرزند اگر برای خدمت خداوند پیش می روی  
 ۲ ۴-۲:۱  
 جانت را برای تجربه آماده کن.  
 ۲ قلبی راست داشته باش و استوار بمان  
 و در هنگام بدبختی مشوش مشو.

r- حکمت با تحقق ایمان اشتباه گرفته می شود، ر.ک. جا ۱۲:۱۳. حکمت پاداش اطاعت از فرمان هاست.  
 s- قلب مقلوب یا قلب قلب (ر.ک. زبان قلب (زبان دوگانه) ۵:۹-۱۴؛ ۶:۱) سرچشمه ریا و دروغ است، ر.ک. مز ۱۲:۳. این ویژگی وجه مشخص شیراست.

t- احتمالاً منظور از «در میان جمع» باید کنیسه باشد، ر.ک. امث ۵:۱۴.

u- دستورهایی که در این فصل گرد آمده در آغاز قرن دوم ق.م در آستانه جفای آنتیوخوس ایپفان متداول بود (۲-مک ۱:۲-۴، ۱۲-۱۵) اما باید آن ها را مربوط به همه زمان ها دانست و در عهدعتیق غالباً به آن ها برخورد می شود (مز ۵: ۵ و غیره).

۳ به او پیوند و از او دور مشو  
 تا به هنگام واپسین روزت بزرگ گردی،  
 ۴ هرچه برایت پیش آید، آن را بپذیر  
 و در حقارت های پی در پی صبور باش؛  
 ۵ زیرا زر را به آتش می آزمایند  
 و انسان های مقبول را در بوته فروتنی<sup>v</sup>.  
 ۶ به او ایمان داشته باش و وی به کمکت خواهد آمد،  
 به راه راست برو و به وی امیدوار باش.  
 ۷ شما که از خداوند می ترسید در انتظار رحمتش باشید  
 و منحرف مشوید، مبادا بیفتید.  
 ۸ شما که از خداوند می ترسید، به وی ایمان داشته باشید  
 و پاداش شما از بین نخواهد رفت.  
 ۹ شما که از خداوند می ترسید  
 به امور نیکو، شادی همیشگی و رحمت امیدوار باشید<sup>w</sup>.  
 ۱۰ نسل های گذشته را بنگرید و ببینید  
 چه کسی با توکل به خدا خجالت را تجربه کرده است؟  
 یا چه کسی در ترس از او ثابت بوده و او وی را واگذارد؟  
 یا چه کسی او را خوانده و از او اهانت یافته؟  
 ۱۱ زیرا خداوند بخشاینده مهربان،  
 گناهان را می بخشد و به هنگام مصیبت نجات می دهد.  
 ۱۲ وای بر قلب های سست و دست های ناتوان  
 و گناهکاری که به دو راه می رود<sup>x</sup>!  
 ۱۳ وای بر قلب ناتوان زیرا ایمان ندارد!  
 از او حمایت نخواهد شد.  
 ۱۴ وای بر شما که ثبات<sup>y</sup> را از دست داده اید!  
 به وقت دیدار<sup>z</sup> خداوند چه خواهید کرد؟  
 ۱۵ کسانی که از خداوند می ترسند از سخنانش روی برنخواهند تافت

امث ۳:۵-۶

اش ۱:۵۱-۳:  
مز ۲۲:۴-۶

خروج ۳۴:۶-۷

v- در برخی نسخه های یونانی اضافه شده است: در بیماری و فقر به وی توکل داشته باش.

w- در برخی نسخه های یونانی اضافه شده است: زیرا پاداش وی موهبتی فناپذیر و شادی بخش است. همین عبارت در منظری از زندگانی خاکی نیز وجود دارد. ر.ک. اش ۳۵:۱۰؛ ۵۱:۱۱.

x- یعنی فقدان استواری و پایداری در خدمت به خدا.

y- ثبات: واژه یونانی دارای معانی گسترده تری از صبر و شکیبائی و امید هم هست.

z- برای حساب پس دادن (ایوب ۷:۱۸). این فعل دارای معنای فنی و کلیدی است که بر حسب وضعیت اغلب به دیدار، یعنی مداخله خدا برای نجات (خروج ۴:۳۱؛ صف ۲:۷)، پاداش یا عقوبت (خروج ۲۰:۵؛ اش ۱۳:۱۱) ترجمه می شود.



- و کسانی که وی را دوست دارند با امانت راه هایش را نگاه می دارند<sup>a</sup>.  
 ۱۶ کسانی که از خداوند می ترسند رضایت وی را می جویند  
 و کسانی که وی را دوست دارند از تورات خوشنود هستند.  
 ۱۷ کسانی که از خداوند می ترسند همواره قلبی آماده دارند  
 و در مقابل او جان خویش را فروتن می سازند و می گویند:  
 ۱۸ «به دست های خدا بیفتیم  
 و نه به دست آدمیان،  
 زیرا همچنان که عظمت از آن اوست  
 همچنان بخشایش نیز وی از آن اوست.»

تث ۵:۶-۶:  
 ۱۰:۱۲-۱۳:  
 یو ۱۴:۱۵-۲۳:  
 ۱-یو ۵:۳:  
 ۱۵:۳۲

۲- سمو ۲۴:۱۴

### تکالیف نسبت به والدین

- ۱ فرزندان، اندرزهای<sup>b</sup> پدر خود را بشنوید  
 و آن چنان رفتار کنید که نجات یابید.  
 ۲ زیرا خداوند پدر را در برابر فرزندان شکوه بخشیده  
 و حق مادر را نسبت به پسران تأکید نموده است.  
 ۳ هر کس پدرش را احترام کند از گناهان خود توبه کرده،  
 ۴ و هر کس مادرش را تکریم نماید همانند کسی است که گنج می اندوزد.  
 ۵ هر کس پدرش را احترام کند در فرزندان خود شادی خواهد یافت  
 و در روزی که نیایش می کند مستجاب خواهد شد.  
 ۶ هر کس پدرش را احترام کند عمری دراز یابد  
 و هر کس از خدا اطاعت کند به مادرش استراحت خواهد بخشید<sup>c</sup>.  
 ۷ اولیایش را چون اربابان خدمت می کند.  
 ۸<sup>d</sup> در گفتار و کردار، پدرت را احترام کن  
 تا برکتش بر تو رسد  
 ۹ زیرا برکت پدر، خانه های فرزندان را استوار گرداند،  
 اما نفرین مادر پایه ها<sup>e</sup> را ریشه کن سازد.  
 ۱۰ از بی حرمتی پدر مفتخر مباش

خروج ۲۰:۱۲:  
 تث ۵:۱۶:  
 ۱۶:۲۷

خروج ۲۰:۱۲

مت ۲۱:۲۸-۳۱

پیدا ۲۷:۲۷-  
 ۲۹:  
 ۴۸:۱۵-۲۰:  
 ۳۹:۳-۲۷:  
 تث ۳۳:۱-۲۵

a- بن سیراخ در اینجا محبت به خدا را معادل ترس از خدا و اطاعت از وی می داند. این محبت بی چشم داشت است که در انتظار پاداش نیست و چه در مسیحیت و چه در یهودیت به آن برخورد می شود. ر.ک. پیرکه ابوت ۱:۳: «بمانند بردگان باشید که بدون اندیشه پاداش به اربابشان خدمت می کنند».  
 b- اندرزهای تأدیبی زیگلر برابر متن لاتین. یونانی: اندرزهای مرا.  
 c- برخی نسخ یونانی می افزایند: هر کس از خداوند بترسد پدرش را احترام نماید.  
 d- از اینجا دست نوشته های عبری (A) گنیزا (Gueniza) [گنجینه] قاهره شروع می شود که تا ۱۶:۲۴ ادامه می یابد.

زیرا بی حرمتی پدر تو را افتخاری نباشد  
 ۱۱ چون افتخار مرد از افتخار پدرش است  
 و مادر خوار برای فرزندان مایه سرشکستگی است.  
 ۱۲ ای فرزند، به یاری پدر کهنسالت بیا  
 و وی را در زندگانی اندوهگین مکن.  
 ۱۳ حتی اگر روحش ضعیف گردد، گذشت داشته باش  
 و وقتی سرشار از قدرتی وی را خوار مدار.  
 ۱۴ زیرا محبتی که به پدر می شود فراموش نخواهد گردید  
 و برای جبران گناهانت به کار خواهد آمد.<sup>f</sup>  
 ۱۵ در روز پریشانی ات، از تو به یاد خواهند آورد  
 و بسان یخی در آفتاب<sup>g</sup>، گناهانت ذوب خواهد شد.  
 ۱۶ آن که ترک پدر می کند کفر می ورزد  
 و آن که مادر را می آزارد ملعون است.

خروج ۱۷:۲۱

لاو ۹:۲۰

نت ۱۶:۲۷

امت ۲۶:۱۹

۱۷:۳۰

### فروتنی

۱۷ ای فرزند با فروتنی کارهایت را به انجام رسان  
 و در نزد مرد مقبول خدا محبوب خواهی شد.<sup>h</sup>  
 ۱۸ هر قدر بزرگتر باشی، خود را کوچکتر بنما  
 و در برابر خدا فیض خواهی یافت.<sup>i</sup>  
 ۲۰ زیرا قدرت خدا عظیم است  
 و فروتنان<sup>j</sup> مایه شکوه وی هستند.  
 ۲۱ آنچه برایت بسیار مشکل باشد به جستجویش بر مخیز  
 و آنچه برای تو بسیار سنگین است آن را تفتیش منما.<sup>k</sup>  
 ۲۲ آنچه به تو توصیه شده در باره آن فکر کن؛

امت ۳:۳۴

مز ۹:۲۵

e- عبری: برکت پدر ریشه می دواند / لعن مادر ریشه کن می سازد.

بدین ترتیب زبان یونانی ضرب المثلی عبری در زمینه کشاورزی را جایگزین کرده است که مقایسه ای به زبان شهری است و برای خوانندگان یونانی زبان مفهوم تر است.

f- متنی مشکل با معنایی مبهم. به زبان عبری: به جای «جبران گناهانت»، «برایت خانه ای نو خواهد بود».

g- تحت اللفظی: به روزی خوش آب و هوا.

h- عبری: پسرم در موفقیت خویش به فروتنی گام بردار و از آن کس که هدایا تقدیم می دارد محبوب تر خواهی بود.

i- برخی نسخ یونانی می افزایند: ۱۹ بسیاری متفرعن و پراوازه اند/ اما او رازهای خویش را به فروتنان آشکار می کند. ر.ک. مت ۲۵:۱۱.

j- عبری: زیرا رحمت خدا عظیم است و راز خود را به فروتنان آشکار می سازد.

k- هشداد علیه موشکافی و کنجکاوی فلاسفه یونان که ممکن است برای ایمان خطرناک باشد. فعل یونانی که به «جستجو» ترجمه شده با فعل عبری darash مرتبط است که اسم موصوف میدراش (midrash) [تفسیر یهودی کتاب مقدس] از آن مشتق شده است.

زیرا به چیزهای پنهان تو را نیازی نباشد.  
 ۲۳ آنچه فراتر از تو باشد خود را در آن نیامیز  
 زیرا آنچه به تو نشان داده شده خود فراتر از درک بشری است.  
 ۲۴ زیرا بسیاری توسط عقاید شخصی خود گمراه گشته اند<sup>۱</sup>  
 و یک خیال بد افکارشان را منحرف کرده است<sup>m</sup>.

## غرور

۲۶ سنگدل، کارش به بدبختی کشد ،  
 و هر کس خطر را دوست دارد در آن نابود شود<sup>n</sup>.  
 ۲۷ سنگدل، به محنت ها از پای درآید ،  
 و گناهکار، گناهی بر گناه بیفزاید.  
 ۲۸ درد مغرور را درمان نباشد ،  
 زیرا گیاه شر در وی ریشه گرفته است<sup>o</sup>.  
 ۲۹ قلب مرد خردمند در باره امثال اندیشه کند ،  
 و گوش شنوا، آرزوی حکیم است<sup>p</sup>.

صدقه ۳۶-۳۲:۷  
 :۱۳-۸:۲۹  
 تث ۱۱-۷:۱۵  
 طو ۹:۱۲

۳۰ آب، آتش سوزان را خاموش می کند ،  
 و صدقه کفاره گناهان است.  
 ۳۱ هر کس نیکوکاری کند در اندیشه آینده است<sup>q</sup>  
 و به هنگام سقوطش، تکیه گاهی خواهد یافت.

۴  
 ۱ ای فرزند، معیشت را از فقیر دریغ مدار ،  
 و محتاج را چشم انتظار مگذار.  
 ۲ آن را که گرسنه است غمگین مکن ،

- I- عبری: زیرا عقاید فرزندان آدمی چه بسیارند. باز در اینجا اشاره ای به یونانیان است یا بیشتر به انحرافات عقیدتی در بطن آئین یهودیت.  
 m- برخی نسخ یونانی می افزایند: ۲۵ اگر تو را مردمک (چشمی) نباشد از نور محروم خواهی ماند، / اگر از علم عاری هستی، به تأیید مکوش!  
 n- در این متن علاقه به خطر، ادعای متکبران‌انه ای است که شخص را وامی دارد تا با بی‌اعتنائی رو به هر خطری آورد. عبری: هر کس علاقمند به لذات است، [به سوی] آن‌ها کشیده خواهد شد.  
 o- عبری: به درمان درد فاسد نکوش / برای وی درمانی نیست / زیرا گیاه وی از گیاه بدی است. غرور پایه شرارت است و با عناد قلب، خود را نشان می دهد، ر.ک. خروج ۷:۱۴: ۸:۲۸. وقتی ریشه دواند، علاج ناپذیر است.  
 p- عبری: گوش مراقب حکمت، شادان است.  
 q- هر کس نیکی کند بر سر راه خود به نیکی برمی خورد.

- و شخص درمانده را خشمگین مساز.  
 ۳ قلب خشمگین را غضبناک نکن<sup>r</sup>  
 و بخشش به محتاج را به تعویق مینداز.  
 ۴ نضرع کننده اندوهگین را مران،  
 و روی از مستمند مگردان.  
 ۵ چشمانت را از نیازمند برمگیر<sup>s</sup>  
 و به هیچ کس مجال نده تو را نفرین کند.  
 ۶ زیرا اگر در تلخی روحش تو را لعن کند،  
 آن کس که وی را آفریده دعایش را مستجاب گرداند.  
 ۷ خود را محبوب جمع گردان،  
 و در برابر بزرگتر سر خم کن.  
 ۸ گوش تو به فقیر باشد  
 و با نرمی نجاتش را به وی بازگردان.  
 ۹ مظلوم را از دست ستمکار رهائی ده  
 و در اجرای عدالت بزدل مباش.  
 ۱۰ از بهر یتیمان پدر باش،  
 و مثل شوهر برای مادرشان<sup>t</sup>،  
 و تو چون فرزند باری تعالی<sup>u</sup> خواهی بود  
 که بیش از هر مادری تو را دوست خواهد داشت<sup>v</sup>.
- امث ۳:۲۷-۲۸  
 طو:۴  
 تث:۱۲۵:۹  
 ۱۵:۲۴  
 ایوب:۲۹:۱۲  
 اش:۴۹:۱۵

### حکمت آموزنده

- ۱۱ حکمت، فرزندانش را تحسین می کند<sup>w</sup>  
 و از کسانی که در جستجویش هستند مراقبت می نماید.  
 ۱۲ هر کس او را دوست بدارد، زندگانی را دوست دارد،  
 و کسانی که از سحر به سوی او می روند سرشار از شرف خواهند بود.  
 ۱۳ هر کس به او ببیند افتخار را به میراث یابد،  
 و به هر جا که وارد شود، خدا وی را برکت دهد.
- ۲۷:۶  
 امث ۱:۲۳-۲۵  
 ۱۵:۸-۲۱  
 ۹-۱:۶  
 امث ۳:۳۵

r- عبری: اندرون بدنت را خسته مکن.  
 s- ۴ب- ۵ الف در نسخه عبری وجود ندارد.  
 t- عبری: برای بیوه زنان.  
 u- عبری: خدا تو را پسر خواهد خواند. در یونانی لحن تخفیف می یابد.  
 v- عبری: تو را فیض بخشیده از نابودی نجات خواهد داد.  
 w- به عبری: بار می آورد. اما فعل یونانی برابر کاربردهای دیگر در کتاب بنسی، صحبت از بار آوردن نمی کند بلکه معنایش گرامی داشتن و بزرگ داشتن کسی است.

- ۱۴ کسانی که خدمت حکمت کنند، قدوس را عبادت کرده باشند.  
 و کسانی که حکمت را دوست بدارند مورد محبت خداوند هستند.  
 ۱۵ هر کس گوشش <sup>x</sup> به حکمت باشد بر بیگانگان داور شود<sup>۱</sup>  
 و هر کس به وی توجه کند در امنیت ساکن خواهد شد.  
 ۱۶ هر کس به آن اعتماد کند آن را به میراث یابد  
 و اخلاش در اختیارش باشد.  
 ۱۷ زیرا در آغاز حکمت با وی از راهی پر پیچ و خم عبور کند  
 و وی را به ترس و واهمه بزند ،  
 و با انضباطی که دارد وی را آزار دهد  
 تا آن که به روح او اعتماد یابد  
 و او را بادستورهایش بیازماید<sup>a</sup>.  
 ۱۸ سپس راست به سویش می آید و وی را شاد می گرداند<sup>b</sup>  
 و رازهایش را بر وی آشکار می سازد.  
 ۱۹ اگر وی گمراه گردد ترکش می کند  
 و وی را به سقوط می سپارد<sup>c</sup>.

ابوب ۱۱:۶:  
 ت ۲:۲۱-۲۲

### عفت و احترام انسان

- ۲۰ لحظه مناسب را دریاب و خود را از بدی نگاه دار ،  
 و خود از خویش شرم نخواهی داشت<sup>d</sup> ،  
 ۲۱ زیرا شرمی هست که به گناه انجامد  
 و شرمی که افتخار و موهبت است.  
 ۲۲ به خود ترشو مباش  
 و از سقوط<sup>e</sup> خویش غافلگیر مشو.  
 ۲۳ در وقت لزوم سخنی را بازمدار<sup>f</sup>.  
 ۲۴ زیرا حکمت را از سخن می شناسند ،

۱۶:۴۱

- x- در عبری ضمایر به صیغه اول شخص است: هر کس به من گوش می دهد (آیات ۱۵-۱۹).  
 y- داوری یا عدالت و انصاف برابر متن عبری: به یونانی: بر ملت ها.  
 z- آیه ۱۶ در متن عبری وجود ندارد.  
 a- به عبری: زیرا من با وی چون بیگانه ای راه می روم/ و قبلاً با تجربه وی را می آزمایم/ تا قلبش ملامت از من گردد. در عبری از زبان حکمت سخن گفته می شود که یادآور امث ۱:۲۲ و آیات بعد: ۸:۱ و آیات بعد است.  
 b- در متن عبری وجود ندارد: و شاد خواهد گردید.  
 c- متن عبری می افزاید: اگر از من دوری کند وی را پس خواهم راند/ و به دست غارتگرش خواهم سپرد.  
 d- شاید در این متن به وسوسه ای که در کمین یهودیان بوده اشاره می شود که در برابر هلنیسم ایمان خود را به خاطر رعایت مراتب احترامات بشری پنهان می داشته اند.  
 e- منظور از سقوط ارتکاب گناه است همانند آیه ۲۱ الف. عبری: به دام های خود فرو نیفت.  
 f- در برخی نسخ یونانی و عبری: «حکمت خویش را پنهان مکن». نسخ یونانی می افزایند: به خاطر افتخاری بیهوده.

و تعلیم را از واژه های زبان.  
 ۲۵ برخلاف حقیقت مگوی  
 بلکه از جهل خود شرمگین باش.  
 ۲۶ از اعتراف به گناہانت شرمگین مباش ،  
 و با جریان نهر مخالفت مکن g.  
 ۲۷ در برابر ابله خود را بی اعتبار مگردان ،  
 و جانب توانمندان را مگیر h.  
 ۲۸ تا پای مرگ برای حقیقت مبارزه کن  
 و خداوند خدا برای تو خواهد جنگید i.  
 ۲۹ با زیانت خود را جسور نشان نده  
 و در کارهایت سست و سهل انگار مباش .  
 ۳۰ در خانه ات چون شیر  
 و با خادمین بی جرأت j مباش .  
 ۳۱ مبادا که دستت برای گرفتن دراز شود ،  
 و برای پس دادن لذ جمع گردد.

۲- سمو ۱۲: ۱۳:  
 ۱- یاد ۲۱: ۲۹:  
 مز ۳۸: ۲- ۵:  
 ۶: ۵۱:  
 لاو ۵: ۵:  
 اعد ۷: ۵:

اع ۲۰: ۳۵:

### استنباط ثروتمند و گناهکار

۱ بر ثروت خود تکیه نکن k

۵

و مگو «آنچه برایم لازم است، دارم!»  
 ۲ برای گام برداشتن طبق هوس های قلبی ات  
 به دنبال میل m و نیروی خود نباش n.  
 ۳ مگو: «چه کسی بر من مسلط خواهد شد؟»<sup>o</sup>

۲۴: ۱۱:  
 مز ۶۲: ۱۱:  
 ایوب ۳۱: ۲۴-  
 ۲۵

g- همین تصویر در احیقر ۲: ۶۵ وجود دارد (ر. ک. طو، پیشگفتار).  
 h- عبری: در برابر زورمندان مقاومت مکن/ با قاضی بی انصاف یک جا منشین/ زیرا تو نیز با وی برابر آنچه میلش باشد  
 قضاوت خواهی کرد.  
 i- عبری می افزاید: ریاکار مباش/ زبان به افترا مگردان.  
 j- متن یونانی مبهم است.  
 jz- ر. ک. دیدا که ۴: ۵، برنابای مستعار ۹: ۱۹.  
 k- ثروت و مال دنیا از منابع فخر و «خودخواهی» است که بی امان در صدد ارضای هوی و هوس ها برآمده و باعث می شود  
 فناپذیری و تزلزل هستی بشری به دست فراموشی سپرده شود، ر. ک. تث ۸: ۱۷-۱۸، ۱- یو ۲: ۱۶.  
 l- منظور از این جمله این نیست که باید هوی و هوس ها را مطابق دارائی و ثروت تعدیل کرد بلکه مقصود انحصاراً از پی ثروت  
 نرفتن است، ر. ک. لو ۱۲: ۱۸-۱۹.  
 m- تحت اللفظی: نفس که مرکز غرایزی است که باعث برانگیختن شرم می شود.  
 n- عبری (دو بیتی): به دنبال قلب و چشمان خود مرو (اعد ۱۵: ۳۹) تا به دنبال هوس های بد کشیده نشوی.  
 o- این رویه گستاخانه و متکبرانانه روش مرد بی دین است که غره به موفقیت های خود (مز ۱۰: ۶: ۷۳، ۴، ۱۲) از امیال نفسانی  
 خویش تمجید می کند (مز ۱۰: ۳)، اندیشه خدا را از آدمی دور می کند (مز ۱۰: ۴: ۵۳) و نیز از داوری های وی غافل  
 می گرداند (مز ۱۱۰: ۱۱-۱۳: ۳۶: ۲: صف ۱: ۱۲).

مز ۱۲:۵

- زیرا مطمئناً خداوند عقوبت خواهد رساند<sup>P</sup>.  
 ۴ مگو «من گناه کرده‌ام، چه اتفاقی برایم افتاده است!»  
 زیرا خداوند<sup>T</sup> صبور است<sup>Q</sup>.  
 ۵ آن قدر از بخشایش اطمینان نداشته باش  
 که گناهی بر گناهی بیفزایی.  
 ۶ مگو «رحمت وی عظیم است،  
 و بسیاری از گناهان مرا خواهد بخشید»،  
 زیرا هرچند بخشایش در وی است اما خشم نیز هست  
 و غضبش بر گناهکاران توقف می‌کند<sup>S</sup>.  
 ۷ بازگشت به سوی خداوند را از روزی به روز دیگر به تأخیر مینداز،  
 زیرا خشم خدا ناگهان پدیدار خواهد شد  
 و به هنگام عقوبت نابود خواهی گشت<sup>T</sup>.  
 ۸ بر ثروت ناحق<sup>U</sup> تکیه مکن،  
 زیرا در روز بدبختی به کارت نیاید.
- روم ۴:۲  
 ۲۵:۳  
 ۱۱:۱۶  
 خروج ۶:۳۴-۷  
 اش ۶:۵۵-۷  
 ارم ۱۷:۱۱  
 امث ۱۰:۲  
 لو ۹:۲۵

گفتگوی حکیم<sup>V</sup>

- ۹ به هر بادی بوجاری نکن<sup>W</sup>  
 و در همه کوره راه‌ها گام برمدار،  
 گناهکاری که دو زبان<sup>X</sup> باشد چنین می‌کند.  
 ۱۰ در احساس<sup>Y</sup> خویش استوار
- مت ۵:۳۷  
 یع ۵:۱۲

- P- عبری: زیرا خداوند در پی مظلومان است و از آنچه در گذشته روی داده حساب پس می‌گیرد. این معنایی است که بیشتر با متن منطبق است.  
 Q- هر قدر هم که به تأخیر افتد، خشم خدا گریبان گناهکار را خواهد گرفت. نباید درباره فقدان عکس‌العمل محسوس خدا دچار اشتباه شد: ر.ک. جا ۸:۱۱-۱۴.  
 T- عبری (دو بیتی): مگو خداوند رحیم است، پس همه گناهان مرا خواهد زدود. (ر.ک. آیه ۶).  
 S- این تصور درباره بخشایش خدا که همه چیز را می‌بخشد و می‌توان به آسودگی مرتکب گناه شد اشتباه بزرگی است، زیرا خدا عادل است و خشم او بر گناهکار فرود می‌آید.  
 t- ر.ک. اش ۶۱:۲:۶۳:۴.  
 U- عبری: ثروت ناحق یعنی فریب دهنده و برای کسی که مالک آن است و به آن توکل می‌کند و بعد فریب می‌خورد. به نحو دیگر هم می‌توان معنا کرد: ثروتی که از راه دزدی و دغلی به دست آید «حرام» است.  
 V- نگاه داشتن اندازه، نگاه داشتن زبان، پایداری و خویشنداری گشایش‌گر مسائلی است که از کاربرد سخن برمی‌خیزد. این مضمون در تمام ادبیات حکمت مشترک است و به مقدار وسیع مورد استفاده بن سیراخ قرار گرفته است (ر.ک. ۲۰:۲۸).  
 W- وقتی گندم را باد می‌دهند دانه گندم از گاه جدا می‌شود و گاه را باد می‌برد اما دانه گندم به زمین می‌افتد. از این تصویر به بی‌اعتباری در عقاید و گرایش به پیروی از باورهای متضاد و سازش‌ناپذیر پی برده می‌شود.  
 X- منظور دورویی و سوءنیت است. ر.ک. مز ۱۲:۳: بنسی ۲۸:۱۴: ۱ تیمو ۳:۸.  
 Y- تحت‌اللفظی: اعتقاد (مبتنی بر شناختی مطمئن) باید متکی به اعتقاداتی باشد که به زندگانی نظم می‌بخشد و نه مانند بادنما که به هر باد می‌چرخد و نیز نباید فرصت طلب بود. (ر.ک. یع ۱:۶-۸).

- و تنها یک سخن داشته باش.
- ۱۱ خود را در شنیدن تند<sup>Z</sup>
- و در پاسخگویی کند نشان ده.
- ۱۲ اگر چیزی می دانی<sup>a</sup> به همنوعت پاسخ ده  
اگر نه، دستت بر دهانت باشد<sup>b</sup>.
- ۱۳ افتخار و ذلت در سخن باشد<sup>c</sup>
- و زبان آدمی باعث سقوطش است.
- ۱۴ خود را خبرچین نام مده  
و با زبانت دام مگستران<sup>d</sup>
- زیرا شرم بر دزد فرود آید،  
و جزایی سخت بر شخص دو زبان<sup>e</sup>.
- ۱۵ خطا مکن، نه اندک، نه بسیار
- ۱ و از دوست به دشمن درنیا،
- زیرا شهرت بد، شرم و خفت را به میراث برد،  
همچنین است برای گناهکار دو زبان.
- ۲ به احساسات خویش خود را برمیفرز<sup>f</sup>
- از بیم آن که چون گاو نری<sup>g</sup> دریده شوی.
- ۳ شاخ و برگ خویش را بلعیده، میوه هایت را از دست خواهی داد،  
و از خود چیزی جز چوبی خشک نخواهی گذاشت.
- ۴ علائق بد، صاحبش را به نیستی می کشاند  
و او را مایه ریشخند دشمنانش می سازد.

۶

- Z- منقول از یع: ۱: ۱۹؛ ر.ک. امث: ۱۸: ۱۳.
- a- عبری: اگر می توانی به همنوع خود پاسخ ده.
- b- یعنی سکوت کن. ر.ک. امث: ۳۰: ۳۲؛ ایوب: ۲۱: ۵، ۲۹: ۹، ۴۰: ۴.
- c- عبری: افتخار و ذلت در قدرت شخص پر حرف است. برای همه زبان مایه گناه است. (۱۶: ۱۹) و قادر است ما را به نابودی بکشاند (۱۳: ۵) اما دشمنی رام نشدنی نیست. عهدعتیق از سخن عادلان و حکیمان بسیار تمجید کرده است (امث: ۱۰: ۲۰؛ ۱۲: ۱۸؛ ۱۵: ۲ و غیره) و همچنین شرارت زبان را رد می کند. (مز: ۱۰: ۱۰؛ ۷: ۱۰؛ ۵۲: ۴-۶؛ امث: ۱۰: ۳۱؛ ۱۷: ۴؛ ۲۶: ۲۸ و غیره). بن سیراخ از خطرهای زبان (۲۶-۱۳: ۲۸) و ایهامات و معانی دو پهلوی آن بارها گفته و بر آن تأکید کرده است (یع: ۳: ۲-۱۰).
- d- عبری: با زبانت شر به پا مکن. این روایت به زبان یونانی اشتباه خوانده شده است.
- e- تحت اللفظی: مرد چرب زبان. عبری: شرم را برای دزد و نفرت را برای همزاد وی مرد چرب زبان آفریده اند.
- f- عبری: به قدرت نفس خویش لغزش مخور. ظاهراً در عبری با نفس در می افتند و در یونانی با غرور.
- g- قدرت تو: اصلاح زیگلمر برابر متون عبری و لاتین. همه دست نوشته های یونانی حاوی «روح تو» هستند. چون گاو نر در متن عبری وجود ندارد. جمله زیاد روشن نیست، با تصحیح اجمالی معنای احتمالی آن چنین خواهد بود: مگذار که هوی و هوس تو را بر باد دهد که ترا بسان گاو نری که شقه شود، شقه خواهد کرد.



## دوستی ۶-۱:۳۷

- ۱:۱۵ امث ۵ سخن<sup>h</sup> شیرین دوستان را می افزاید ،  
و سخن گوارا مهربانی ها را .
- ۱۵-۷:۳۷ ۶ آنانی که تو را سلام<sup>i</sup> گویند زیاد باشند،  
اما مشاورانت یکی در بین هزاران باشد .
- ۷ اگر دوستی به دست آوردی او را امتحان کن ،  
و خیلی زود بر وی اعتماد مکن .
- ۸ زیرا دوست «ابن الوقت» چنین است  
که به روزگار مصیبت تو به دوستی نیاید .
- ۹ دوست چنین به دشمن مبدل خواهد شد  
و نزاعی برانگیزاند که رسوایی تو شود .
- ۱۰ چنین دوستی برای مشارکت بر سفره ات می نشیند ،  
و به روزگار مصیبت تو دوستت نخواهد ماند .
- ۱۱ به روزگار خوشبختی ات چون تو باشد  
و با خادمین ات آزادانه صحبت خواهد کرد ؛
- ۱۲ اگر از مرتبه ات تنزل کنی علیه تو گردد ،  
و خود را از رویت پنهان دارد .
- ۱۳ خود را از دشمنانت جدا کن ،  
و به دوستانت اعتماد مکن .
- ۱۴ دوست با وفا ، پناهی محکم است ،  
هر کس آن را یابد گنجی یافته باشد .
- ۱۵ دوست با وفا را بهایی نباشد ،  
و سنگی برای (سجش) ارزش وی نباشد .
- ۱۶ دوست با وفا اکسیر زندگانی است  
و کسانی که از خداوند می ترسند آن را خواهند یافت .
- ۱۷ هر کس از خداوند بترسد دوستی اش را درست هدایت می کند ،  
زیرا او هرطور که باشد ، یارش هم همان طور است .<sup>j</sup>

## فراگیری حکمت

- ۱۸ ای فرزند ، از آغاز جوانی تعلیم را برگزین  
و تا به سپیدمویی حکمت خواهی یافت .

h- تحت اللفظی: دهان شیرین .

i- یا احتمالاً: کسانی که صلح و آرامش برای تو مسألت دارند .

j- به عبری: زیرا هرگونه که باشی دوستی که داری همان گونه باشد / و نامت هر چه باشد ، کارت همان است .

امت ۸:۱۸:  
حک ۷:۱۴

امت ۴:۷:

- ۱۹ چون کشاورز و برزگر به سوی او بیا ،  
و صبورانه در انتظار ثمرات نیکویش باش ،  
زیرا به هنگام کاشتن آن کمی رنج خواهی کشید ،  
اما خیلی زود محصولانش را خواهی خورد .  
۲۰ حکمت با نادانان چه سخت است !  
مرد بی کیاست در آن استوار نخواهد ماند .  
۲۱ چون سنگ آزمایش<sup>k</sup> بر وی سنگینی می کند ،  
و او برای پرت کردنش درنگ نمی کند .  
۲۲ زیرا حکمت<sup>l</sup> مطابق نام خویش است :  
بر تعداد زیادی آشکار نمی گردد .  
۲۳<sup>m</sup> ای فرزند بشنو و رأی مرا بپذیر ،  
و اندرز مرا دور میفکن .  
۲۴ پاهایت را در پابندهای وی ،  
و گردنت را در طوق وی بگذار .  
۲۵ شانه هایت را خم کن و آن را حمل نما ،  
و از بندهای آن آزرده مشو .  
۲۶<sup>n</sup> با تمام روح به سوی حکمت آی ،  
و با تمام نیرویت راه های وی را ملاحظه کن .  
۲۷ اثرش را دنبال کن و جستجو نما ، او خود را به تو خواهد شناساند ،  
و وقتی آن را به دست آوردی ، رهایش مکن .  
۲۸ زیرا سرانجام در آنجاست که آرام خواهی یافت ،  
و آن برایت تبدیل به شعف خواهد شد<sup>o</sup> .  
۲۹ پابندهایش تو را پناهی محکم باشد ،  
و طوقش جامه ای شکوهمند ،  
۳۰ زیرا یوغش<sup>p</sup> زیور زرینی است ،  
و بندهایش تافته ارغوانی .  
۳۱ چون جامه ای شکوهمند آن را در بر خواهی کرد

k- سنگ جحیمی که در مسابقه های ورزشی سعی در بلند کردن آن می کنند (ر.ک. زک ۱۲:۳).  
l- عبری: انضباط. بین واژه های موسار mousar به معنای انضباط و mousar به معنی دور کردن، دور افکندن جناس لفظی وجود دارد. انضباط در خور نام عبری خودش است زیرا دسترسی به آن مشکل است.  
m- آیات ۲۳-۲۴ در متن عبری وجود ندارند.  
n- در متن عبری وجود ندارد.  
o- پاداش به دست آوردن حکمت آسایش و شادی است.  
p- ر.ک. مت ۱۱:۲۹.

و چون تاج خرمی<sup>q</sup> بر سر خواهی نهاد.  
 ۳۲ ای فرزند، اگر خواهان آن هستی، خود را تعلیم خواهی داد،  
 و اگر روح را به کار بندی، مهارت<sup>r</sup> یابی.  
 ۳۳ اگر شنیدن را دوست داری، یاد خواهی گرفت،  
 و اگر گوش فرا دهی حکیم گردی.  
 ۳۴ به انجمن کهنسالان درآی  
 و اگر در میان آن ها حکیمی باشد به وی ببینند<sup>s</sup>.  
 ۳۵ دوست بدار که همه گفتارهای الهی را بشنوی<sup>t</sup>  
 تا امثال فهیم از خاطرت نرود.  
 ۳۶ آیا مردی خردمند را می بینی، از طلوع فجر به سویش برو،  
 باشد که قدم هایت آستانه در وی را بساید.  
 ۳۷ بر فرمان های خداوند اندیشه کن<sup>u</sup>  
 و بر احکامش دائم تعمق نما،  
 او خود قلب تو را استوار سازد  
 و حکمتی که خواهان آن هستی به تو داده خواهد شد.

مز ۱:۲

### پندهای گوناگون

۱ بدی مکن تا بدی بر تو نیاید.  
 ۲ از ظلم دوری کن تا ظلم از تو روی بگرداند.  
 ۳ ای پسر در شیار بی عدالتی دانه نیفشان،  
 مبادا هفتاد برابرش را درو کنی.  
 ۴ از خدا حکومت مخواه  
 و نه از پادشاه جایگاه رفعت.  
 ۵ در برابر خدا خود را عادل،  
 و در برابر پادشاه خود را حکیم جلوه مده.  
 ۶ به دنبال آن نباش که قاضی گردی  
 مبادا نتوانی مظالم را ریشه کن کنی،  
 و به خاطر ترس در مقابل قدرتمند،  
 راستی خود را از دست بدهی<sup>v</sup>.

ایوب ۴:۸:  
 امث ۲۲:۸:  
 غلا ۶:۸:

q- به عبری: تاج افتخار.

r- نویسنده راه عملی دسترسی به حکمت را نشان می دهد.

s- در متن عبری وجود ندارد.

t- الهی یعنی الهام یافته از سوی خدا، عبری: از هر دری شنیدن سخن لذت بخش است.

u- عبری: ترس حضرت اعلی را بیاموز.

v- مردود داشتن جاه طلبی و اعمال ناشایست.

۷ خود را در برابر انجمن شهر مقصر مگردان ،  
و در برابر جمع خوار مشو.  
۸ گناه را دوبار گره مزن<sup>w</sup>

زیرا برای همان یکی هم بی توبیخ نخواهی ماند.  
۹<sup>x</sup>نگو: «او کثرت هدایای مرا در نظر خواهد گرفت ،  
و وقتی برای خدای باری تعالی قربانی کنم، وی خواهد پذیرفت.»  
۱۰ در نیایش سستی مکن

بع ۱:۶

و از صدقه دادن غفلت موزر.

۱۱ مردی را که روحش تلخ است مسخره مکن ،  
زیرا کسی هست که پست می گرداند و برمی افرازد.  
۱۲ علیه برادرت دروغ مباحف ،

۱- سمو ۲:۷:  
لو ۱:۵۲:

و بیش از آن علیه دوست<sup>y</sup>.

۱۳ خود را از زبان دروغ حفظ کن،

از آن هیچ خبری نمی تواند برخیزد<sup>z</sup>.

۱۴ در انجمن کهنسالان پرحرفی مکن ،

و در نیایش هایت سخنان را تکرار منما.

مت ۶:۷

۱۵ از کارهای دشوار اکراه نداشته باش،

و نه از کارهای کشتزار که باری تعالی آفریده است<sup>a</sup>.

۱۶ در انبوه گناهکاران خود را قرار مده<sup>b</sup> ،

بیاد آور که غضب درنگ نخواهد کرد.

۱۷ عمیقاً فروتنی کن

زیرا آتش و کرم عقوبت بی دین است<sup>c</sup>.

w- تحت اللفظی: به هم متصل کردن.

x- در متن عبری وجود ندارد. انبیاء از پیش این چنین درکی از قربانی را به عنوان وسیله رسیدن به نجات محکوم کرده بودند (اش ۱۱:۱-۱۵؛ ار ۷:۲۱-۲۴؛ عا ۲۱:۵-۲۵). تنها ندامت آدمی و رحمت الهی شرط حصول است (اش ۱:۱۶-۲۰؛ ار ۷:۱-۱۵).

y- یا: به دوستی همان مکن (بدی) که نسبت به تو کرده است.

z- عبری: زیرا نتیجه آن مطبوع و دلپسند نیست.

a- حاخام های بنی اسرائیل اغلب درباره لزوم کار دستی تأکید ورزیده اند (پیرکه ابوت ۲:۲)؛ ر.ک. همچنین به متون قمران. بن سیراخ همواره با حساسیت نسبت به الهام درباره مسائل، تعلیم می دهد که کسانی که کار دستی می کنند یارای دسترسی به حکمت را ندارند. (۳۸:۲۴-۳۴).

b- عبری: خود را در شمار مردان قوم به حساب میاور. یعنی به خود اهمیت نده.

c- ر.ک. پیرکه ابوت (گفتار پدران) ۴:۱۷. به عبری: زیرا آینده آدمی که کرم هایند/ در گفتن این مطالب عجله نکن: چه بدبختی! / رو به خدا آور و از طریقت وی شادمانی برگیر. اشاره به آتش در متن یونانی آیا تنها شاخصی در جهت ارتقاء اندیشه هاست؟

## دوستان، خانواده

- ۱۸ دوست را با پول مبادله مکن  
و نه برادری راستین را با طلای او فیر<sup>d</sup>.
- ۱۹ از همسر خردمند و نیکو جدا مشو،  
زیرا ملامت وی بیش از طلا می‌ارزد.
- ۲۰ با خادمی که با وفاداری کار می‌کند بدرفتاری مکن،  
نه با مزدوری که خود را کاملاً به کارش سپرده است.
- ۲۱ خادم فهیم را دوست بدار<sup>e</sup>  
و وی را از آزادی محروم مگردان.
- ۲۲ آیا دامدار هستی، از ایشان مراقبت نما  
و اگر برایت سودمند است<sup>f</sup> نگاهشان دار.
- ۲۳ آیا دارای فرزندان، آن‌ها را اصلاح کن  
و از همان سنین جوانی وادارشان کن سرخم کنند<sup>g</sup>.
- ۲۴ آیا دخترانی داری، مراقب بدن آن‌ها باش  
و روی خوش به آن‌ها نشان مده.
- ۲۵ دخترت را شوهر ده که کاری بسیار بزرگ انجام داده باشی<sup>h</sup>  
اما وی را به مردی فهیم بده.
- ۲۶ اگر زنی دلخواه<sup>i</sup> داری، وی را پس مفرست،  
اما اگر از وی اکراه داری به وی اعتماد مکن.
- ۲۷ لُز صمیم قلب پدرت را ستایش کن،  
و دردهای مادرت را فراموش منما.
- ۲۸ بیاد آور که آنان به تو زندگانی داده‌اند،  
چگونه آنچه برایت کرده‌اند به آنان بازپس خواهی داد؟

تث ۱۴:۲۴-۱۵

امت ۱۳:۲۴:  
۱۵:۲۲  
۱۳:۲۳-۱۴:  
۱۷، ۱۵:۲۹

طو ۴-۳

کاهنان<sup>k</sup>

- ۲۹ با تمام روح خدا را تکریم نما  
و کاهنان وی را محترم شمار.

d- او فیر به جهت طلای نابی که داشته معروف بوده است: ۱- پاد: ۲۸: ۱۳: ۱۲: ایوب: ۲۸: ۱۶: ۱- تو: ۲۹: ۴.  
e- عبری: به مانند خودت دوست بدار. طبق تورات برده‌ها ۶ سال پس از بیگاری باید آزاد شوند: خروج ۲: ۱۵-۱۲: ۱۵-۱۲.  
f- عبری: اگر نسبت به تو وفادار هستند.  
g- عبری: آنان را شوهر بده.  
h- عبری: و غم‌های تو از بین خواهد رفت.  
i- در متن عبری وجود ندارد: برابر روح خود.  
j- آیات ۲۷-۲۸ در متن عبری وجود ندارند.  
k- بن سیراخ علاقه و ستایشی وافر به کهان: ۴۵: ۶-۲۶: ۵۰ و همچنین به عبادت: ۱۲: ۴۹: ۸: ۴۷-۱۰ ابراز می‌دارد.

۳۰ با قوت تمام آن کس که تو را ساخته دوست بدار ،  
و خادمین وی را رها مساز.  
۳۱ از خدا بترس و کاهن را تجلیل نما ،  
و همان طور که دستور است سهم وی را بده ،  
از نوبرها ، قربانی جرم ، هدیه سردست ها ،  
قربانی تقدیس و برداشت از آنچه مقدس است<sup>۱</sup>.

### فقیران و درماندگان<sup>m</sup>

۳۲ همچنین دستت را به سوی فقیران دراز کن ،  
تا برکت تو کامل گردد.  
۳۳ با سخاوتمندی به همه زندگان ببخش ،  
و حتی از مرده نیکی را دریغ مکن<sup>n</sup>.  
۳۴ از آنانی که می‌گیرند ایراد مگیر ،  
و با دردمندان همدرد باش.  
۳۵ برای عیادت مرد بیمار تردید مکن ،  
با چنین اعمالی است که خود را محبوب خواهی ساخت.  
۳۶ در تمام اعمال<sup>o</sup> فرجام خود را به یاد آور  
و هرگز گناه نکن.

تث ۲۹:۱۴  
مز ۲:۴۱

روم ۱۵:۱۲

### احتیاط و خودداری

۱ با مرد قدرتمند جر و بحث مکن ،  
مبادا به چنگالش در افتی<sup>p</sup>.  
۲ با مرد ثروتمند منازعه منما ،  
مبادا فشار خود را به تو تحمیل کند<sup>q</sup>

۱- متن عبری: گوشت‌های قربانی سوختنی، پیشکش‌های دست/قربانی عدالت، قربانی تقدس. منظور قربانی‌ها و پیشکش‌های مردم یهود است: نوپر (اعد۱۸:۱۱-۱۸)، قربانی جرم یا جبران (لاو۵:۶)، پیشکش سردست‌ها (اعد۶:۱۹، تث۱۸:۳) یا ران‌ها (خروج۲۹:۲۷؛ لاو۷:۳۲). قربانی تقدیس احتمالاً به صورت وقف و نذر و نیاز بوده است (لاو۱:۱۶-۱۶).  
m- اعمال خیریه نسبت به درماندگان، درگذشتگان و آنانی که در مصیبت‌اند، در ادبیات خاخامی و عهدجدید منعکس است و عبارت از اجرای ایده‌ای است که سر منشاء آن انبیاء هستند و کتاب تثنیه آن را از سر گرفته است.  
n- عهدعتیق بسیار در اندیشه تأمین مراسم خاکسپاری شایسته برای مردگان است ۱- سمو۳۱:۱۰-۱۳؛ ۲- سمو۲۱:۱۰-۱۴، اش۳۴:۳، ار۲۲:۱۹، طو۱۷:۱۸-۱۷؛ ۱۲:۱۲.  
o- تحت اللفظی: در تمام حرف‌هایت (یا کارهایت). با تذکر سرانجام آدمی، متن یونانی دقیق‌تر از متن عبری است و سرانجام می‌تواند به معنای نتایج اعمال انسانی باشد.  
p- متن عبری، دارای دوبیتی از همین آیه است.  
q- متن عبری می‌افزاید: و تو که نابود نمی‌گردد. قضات در میان قوم بنی اسرائیل همواره مردان شایسته و شریفی نبوده‌اند (۱- سمو۸:۳) و این علیرغم وجود قوانین (خروج۲۸:۸؛ تث۱۶:۱۹) و توبیخ در موارد خطیر (تث۲۷:۲۵) و ندهای حکمائی چون بن سیراخ بوده است.

- زیرا طلا چه بسیار افراد را تباه  
 و قلب‌های پادشاهان را منحرف ساخته است.  
 ۳ با مرد پرحرف جر و بحث منما ،  
 و هیزم روی آتش وی انباشته مکن.  
 ۴ با جاهل شوخی منما ،  
 مبادا اجدادت بی حرمت گردند.<sup>T</sup>  
 ۵ به مردی که از گناه روی می گرداند توهین مکن،  
 بیاد آور که همه ما زیر بار گناه هستیم.<sup>S</sup>  
 ۶ مرد را در کهنسالی‌ش تحقیر مکن،  
 زیرا بین ما نیز هستند که سالخورده می شوند.<sup>T</sup>  
 ۷ به هنگام مرگ کسی شادی مکن،  
 بیاد آور که همه ما را پایانی است.  
 ۸ از گفتگوی<sup>U</sup> حکیمان غفلت مکن ،  
 و دائم به امثال ایشان رجوع کن  
 زیرا از آن هاست که تعلیم  
 و هنر خدمت به بزرگان را یاد خواهی گرفت.  
 ۹ از گفتگوهای کهنسالان دوری مکن،  
 زیرا آنان نیز از پدرانشان یاد گرفته اند،  
 از ایشان است که هم خرد  
 و هم هنر پاسخگویی به موقع را فرا خواهی گرفت.  
 ۱۰ آتش نیم سوز گناهکار را تیز مگردان،  
 مبادا به شعله اش بسوزی.  
 ۱۱ سر به سر<sup>V</sup> مرد گستاخ مگذار  
 مبادا تو را به دام سخنان<sup>W</sup> خودت گرفتار کند.  
 ۱۲ به قوی تر از خود وام مده ،

لاو ۱۹:۳۲:  
حک ۴:۸:

امت ۱۴:۳۵:  
۱۶:۱۳-۱۴

ایوب ۱۵:۱۸:

T- متن عبری: از بیم آن که وی مردان شریف را خوار سازد.  
 S- در متن عبری به جای گناه/ محکوم. در متن یونانی: در عقوبت. ایده جهانشمولی گناه که در عهدعتیق به صورت عام وجود دارد  
 (۱-پاد:۸:۴۶؛ جا:۷:۲۰) در عهدجدید با صراحت بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است (روم:۳:۹-۲۰).

T- بدین معنا که یا به علت سالخوردگی کاهش می یابند یا آن که سالخورده می شوند.  
 U- در اصل، حکمت دارای جنبه عملی بوده است: تربیتی کاربردی که مطیعانه از آموزش های قدما که از پدر به پسر تحت شکل  
 «امثال» منتقل گشته اقتباس می شده است. روایات سینه به سینه که منتج به «قانون نانوشته» در نزد حاخام ها می شود، در  
 بین قوم بنی اسرائیل جای بسیار مهمی داشته است: تث:۴:۹؛ ۱۹:۱۱؛ مز:۴۴:۲؛ ۳:۷۸؛ ایوب:۸:۸؛ ۱۲:۱۲. اغلب کتاب های  
 متشکله عهدین به ویژه مجموعه ضرب المثل ها، این چنین پیش از آن که به صورت نوشته در آیند، دهان به دهان و سینه به سینه  
 منتقل می گشته اند.

V- یا: تسلیم نشو. متن عبری: خود را از برابر وی کنار مکش.

W- تحت اللفظی: به مانند تله ای برای دهان تو، موضع می گیرد.

- و اگر وام دهی، آن را از دست رفته بدان.  
 ۱۳ فراتر از امکانات خود ضمانت مکن<sup>x</sup>  
 و اگر ضمانت کردی به فکر پرداخت آن باش.  
 ۱۴ با قاضی مرافعه نداشته باش،  
 زیرا به خاطر مقامش لا به نفع او رأی خواهند داد.  
 ۱۵ با مرد بی مهابا<sup>z</sup> به راه نیفت،  
 مبادا تو را از پا دراندازد،  
 زیرا هرچه در سر دارد انجام خواهد داد،  
 و دیوانگیش تو را با وی نابود خواهد کرد.  
 ۱۶ با مرد خشمگین نزاع مکن،  
 و از بیابان با وی گذر منما،  
 زیرا خون به چشم او هیچ است  
 و درجایی که هیچ کمکی نباشد تو را از پای در خواهد آورد.  
 ۱۷ با ابله مشورت مکن  
 زیرا توانایی کتمان امر را ندارد.  
 ۱۸ در برابر بیگانه به هیچ کار محرمانه دست مزن،  
 زیرا نمی دانی از آنچه به بار خواهد آمد<sup>a</sup>.  
 ۱۹ قلبت را بر هر کس مگشای،  
 زیرا تو را فیضی نرساند<sup>b</sup>.

امت ۲۴:۲۲

## زنان

- ۱ به زنی که بر سینه ات می آرمند<sup>c</sup>، حسادت مکن  
 و علیه خودت در وی خیالات بد راه مده.  
 ۲ خود را تسلیم زنی مکن  
 زیرا قدرت تو را غصب خواهد کرد.  
 ۳ به زنی هوس باز نزدیک مشو  
 از بیم آن که در دامهایش افتی.

x- بن سیراخ در مورد حمایت سخت گیرتر از حکمای قدیم نیست، ر.ک. ۲۹:۱۴-۲۰.  
 y- تحت اللفظی: وقار. می توان چنین نیز ترجمه کرد: وی را بر حسب عقیده ای داوری خواهند کرد. متن عبری: زیرا به میل خود قضاوت خواهد کرد.

z- متن عبری: با مردی قوی یا سرباز.

a- تحت اللفظی: چه خواهد زائید.

b- متن عبری: و خوشبختی از تو روی نگرداند.

c- تحت اللفظی: زنی که عزیزش می داری. مسأله غبطه و حسادت از نقطه نظر قضائی مذکور در اعداد: ۱۴:۵ مطرح شده است.



امت ۲۳:۲۷:  
۳:۲۹

۴ با زن آواز خوان درنگ مکن ،  
از بیم آن که به مکروی درافتی<sup>d</sup> .  
۵ دیدگانت را بر دختری جوان ندوز ،  
از بیم آن که به محکومیت وی در غلتی .  
۶ خود را تسلیم روسپیان مکن ،  
تا میراثت را از دست ندهی .  
۷ در کوچه های شهر چشم چرانی مکن ،  
و در جاهای خلوت شهر<sup>e</sup> پرسه مزن .  
۸ چشمانت را از زن زیبا برگیر ،  
و آن ها را بر جمال بیگانه مدوز ،  
زیبایی زن بسیاری را به گمراهی کشاند  
و عشق، چون آتشی<sup>f</sup> در آن سوزان است .  
۹ در کنار زن شوهردار هرگز منشین ،  
و با وی در ضیافت ها شراب منوش ،  
از بیم آن که روحت به وی مایل گردد  
و در هوی و هوست<sup>g</sup> به نیستی بلغزی .

مت ۲۸:۵

امت ۲:۱۶:  
۳:۵-۲۰:  
۶:۲۳-۲۹:  
۷:۵:۲۲:۱۴:  
۲۳:۲۷:  
۳۰:۲۰:

### روابط انسانی

۱۰ دوست دیرینه را رها مکن ،  
زیرا دوست تازه هم ارزش او نیست ،  
شراب تازه و دوست تازه ،  
آنگاه که کهنه شوند، آن را با لذت خواهی نوشید .  
۱۱ ظاهر فریبای گناهکار را خواهان مباش  
زیرا نمی دانی که ویرانی وی چگونه است .  
۱۲ از آنچه خوشایند<sup>h</sup> بی دینان است لذت مبر ،  
بیاد آور که آنان تا هاویه مبری نخواهند بود<sup>i</sup> .  
۱۳ از مردی که قدرت کشتار دارد بپرهیز ،

مز ۳۷:۱-۲:  
۷۳:۳:  
امت ۲۴:۱۹:

- d- عبری: از بیم آن که تو را با دهانش بسوزاند.  
e- عبری: در گذر با دیدگانی دیوانه وار/ و با بهائی مناسب، پشت دیوار خانه.  
f- در احیقر ۲:۷۲: «پسرم چشمانت را بر چهره زنی خوبروی خیره مکن و در بند نقش جمالی که از آن تو نیست مباش زیرا چه بسیاری به علت زیبایی زن نابود گشته و عشق وی چون آتشی بوده که سوزانده است.»  
g- عبری: و خونین در حفره ای فرو غلٹی.  
h- موفقیت: به یونانی euodia که طبق نسخه عبری توسط زیگلر تصحیح شده است. مجموعه دست نوشته دارای معنای خوشایند (eudokia) است.  
i- بیان ایمان سنتی در منظر پاداش و سزای دنیوی.

و از بیم مرگ هراسان نخواهی بود.  
 اگر نزدیکش شوی، مرتکب خطا مگرد  
 تا زندگانی ات را از تو نگیرد،  
 بدان که در میان دام‌ها راه می روی  
 و بر تله قدم می زنی<sup>۱۴</sup>.  
<sup>۱۴</sup> تا آنجا که می توانی به سراغ همسایگان برو،  
 و با حکیمان مشورت کن.  
<sup>۱۵</sup> با مردان خردمند میل به گفتگو داشته باش،  
 و همواره از تورات باری تعالی تکلم کن.  
<sup>۱۶</sup> هم سفره هایت عادلان باشند  
 و فخرت را در ترس خداوند قرار ده.  
<sup>۱۷</sup> اثری که مورد ستایش است، [اثر] دست هنرمندان است<sup>k</sup>  
 و رئیس قوم با سخنانش خود را حکیم نشان می دهد.  
<sup>۱۸</sup> از مرد پرحرف در شهرش می هراسند،  
 و مرد بی ملاحظه به سخنانش منفور است<sup>۱</sup>.

## حکومت

۱۰ رهبر<sup>m</sup> حکیم، قومش را تأدیب می کند،  
 و حکومت مرد خردمند کاملاً منظم است.  
<sup>۲</sup> رهبر قوم، هرگونه باشد وزیرانش نیز هم چنانند،  
 و حاکم شهر هرگونه باشد همه ساکنانش نیز همان طور می باشند.  
<sup>۳</sup> پادشاه نادان ملتش را بر باد می دهد  
 و شهر به فهم شاهزادگان بنا می شود.  
<sup>۴</sup> سلطه زمین به دست خداوند است  
 و در لحظه مناسب بر آن کسی را می گمارد که مفید باشد.  
<sup>۵</sup> موفقیت آدمی به دست خداست،  
 و بر شخص قانونگذار<sup>n</sup> سایه شکوهمندش را می گستراند.

j- که در تیررس دشمن است. متن عبری: بر روی تله.

k- توازی بین مهارت یک هنرمند و سخنان حکیمانه رئیس قوم، اما معنای مصرع اول روشن نیست. عبری: صحت عمل به دست اشخاص حیل‌گر به تیرگی گرائیده است.

l- عبری: و سرزنش در دهانش منفور گشته است.

m- این رهبر یا داور (shofet) شهر را اداره و بر مردم حکومت می کند به مانند سرداران کارتاژی حاکم که در هیئت رؤسای بانفوذ آغاز استیلا در کنعان «داور» خوانده می شدند (کتاب داوران) که بلیه جایگاه آنان را به دقت تشخیص داد. آنان وظیفه اجرای

عدالت بین اشخاص را بر عهده نداشتند و آن انتظاری که از واژه «داور یا قاضی» داریم در این مورد مصداق ندارد.

n- عبری: در برابر قانونگذار. متن یونانی در انطباق با متن مصری است که کاتبان می توانستند در مقام کارمندان عالی رتبه در حد قانونگذار باشند.

## علیه غرور

- ۶ به خاطر هیچ اشتباهی به هم‌نوع خویش کینه مورز<sup>o</sup>  
و با حرکت خشونت بار دست به کاری مزن.  
۷ از نظر خدا و آدمیان غرور منفور است ،  
و به نظر هر دو، ظلم خطاست.  
۸ سلطنت از ملتی به ملتی دیگر  
به خاطر ظلم ها و خشونت ها<sup>P</sup> و ثروت ها دست به دست گردد.  
۹ چگونگی آنچه خاک و خاکستر است می تواند به خود مغرور شود،  
موجودی که در حین زندگانی است امعاء و احشاء<sup>q</sup> فاسد دارد؟  
۱۰ بیماری طولانی، مایه لذت پزشک است<sup>r</sup>،  
آن کس که امروز پادشاه است، فردا درمی گذرد!  
۱۱ وقتی آدمی درمی گذرد،  
نصیبش تخم حشرات، حیوانات و کرم ها<sup>s</sup> است.  
۱۲ غرور برای آدمی وقتی شروع می شود که از خداوند دور می شود<sup>t</sup>  
و هنگامی که قلبش از آفریدگارش جدا می شود.  
۱۳ زیرا آغاز غرور گناه است  
و هر کس در آن پافشاری کند<sup>u</sup> کراهت را باراند،  
به این خاطر است که خدا بدبختی های مشهوری<sup>v</sup> را وارد آورده  
و سرانجام مغروران را نابود کرده است.  
۱۴ خدا تخت های قدرتمندان<sup>w</sup> را واژگون کرده ،  
و فروتنان<sup>x</sup> را به جای آنان نشانده است.  
۱۵ خداوند ریشه ملت ها را برکنده

پیدا: ۱۸:۲۷

اش ۱۱:۱۴:  
داور ۱۴:۱۷اسمو ۲:۴-۸:  
لو ۵۱:۵۲-۵۳:

- O- عبری: بدی مکن.  
P- عبری: به علت طغیان غرور، شاید اشاره ای به وضع فلسطین در قرن های سوم و دوم ق. م است هنگامی که بین بطالسه و سلوکیان نبرد بود. برخی نسخ یونانی در ادامه همین آیه می افزایند: هیچ چیز ظالمانه تر از آن نیست که انسانی دوست دار پول باشد/ زیرا سرتاپای وجودش آلوده پول می گردد.  
Q- بر اساس حدس و گمان از روی متن عبری. در متن یونانی «امعاء و احشاء» محذوف است.  
R- عبری: پزشک در بیماری کوتاه مدت درمی ماند. معنای این آیه روشن نیست.  
S- عبری: کرم ها، خزندگان و حشرات.  
T- عبری: شخص وقیح و بی حیا.  
U- عبری: آن کس که «چشمه اش...»  
V- عبری: قلبش را به بلایا انباشته است. به نظر می رسد مثال های دقیقی در برابر نویسنده وجود داشته اند از جمله بلایای مصر (خروج: ۱۱:۷)، ویرانی نینوا (۶۱۲ ق. م) یا فتح بابل (۵۳۹ ق. م).  
W- عبری: مغروران، متکبران.  
X- عبری: نرمخویان.  
Y- این آیه در متن عبری وجود ندارد.

و فروتنان را به جای آن‌ها غرس کرده است.  
 ۱۶ خدا سرزمین‌های ملت‌ها را زیور و کرده<sup>Z</sup>  
 و آن‌ها را تا بن زمین ویران کرده است.<sup>a</sup>  
 ۱۷ چه بسیاری را خشکانده و افراد را نابود کرده ،  
 و یاد آن‌ها را در زمین از خاطره‌ها برده است.  
 ۱۸ غرور برای آدمی آفریده نشده است ،  
 و نه خشم شدید برای اولاد زن.  
 ۱۹ چه نسلی مورد احترام است؟ نسل انسان.  
 چه نسلی مورد احترام است؟ آنان که از خداوند می‌ترسند.  
 چه نسلی تحقیر شده است؟ نسل انسان.  
 چه نسلی تحقیر شده است؟ آنان که از احکام تخطی می‌کنند.<sup>b</sup>  
 ۲۰ رئیس در میان برادرانش مورد احترام است ،  
 و کسانی که از خداوند می‌ترسند در نظرش همین‌گونه هستند.<sup>c</sup>  
 ۲۲ ثروتمند، برجسته و فقیر<sup>d</sup> ،  
 فخر همه آن‌ها ترس از خداوند است.  
 ۲۳ فقیری خردمند را خوار شمردن درست نیست،  
 همان‌گونه که مفتخر داشتن مرد گناهکار شایسته نیست.  
 ۲۴ بزرگ، داور و قدرتمند مفتخر می‌شوند ،  
 اما هیچ‌کدام ایشان از آن کس که خدا ترس است بزرگتر نیستند  
 ۲۵ خادم حکیم را مردان آزاد خدمت می‌کنند ،  
 و مرد دانا در این زمزمه<sup>e</sup> نخواهد کرد.

### فروتنی و حقیقت

۲۶ وقتی به کار خود می‌رسی قیافه حکیم به خود مگیر ،  
 و به هنگام سختی به خود غره مشو.  
 ۲۷ کارگری که همه چیز به وفور دارد  
 به از شکوه‌مندی که نان ندارد.

Z- عبری: آثار مشرکان را یافته است.

a- عبری: ریشه‌شان را برکنده است.

b- به علت سرشت انسان نیست که شایستگی عزت یا خواری داشته باشد بلکه به علت رفتارشان نسبت به خدا است.

c- نسخ یونانی می‌افزایند: ۲۱ ترس خدا آغاز مقبولیت به نزد خداست/ اما آغاز سرپیچی، سنگدلی و غرور است.

d- متن عبری: میهمان یا بیگانه، مهاجر یا درمانده.

e- از دید بن سیراخ حال و وضع اجتماعی دارای اهمیت فرعی است. برتری واقعی از آن خردمند حکیم است و این همان رفتار

پولس رسول می‌باشد (غلا:۳۶:۲۸؛ کول:۳:۱۱، فیل:۱۶).

۲۸ ای فرزند با فروتنی به شکوه گرای  
 و به اندازه شایستگی ات، از خود تقدیر کن.  
 ۲۹ آن کس که خود را گول می زند، چه کسی وی را تبرئه تواند کرد؟  
 و چه کسی می تواند آن کس را شکوه بخشد که خود را خوار می دارد؟  
 ۳۰ افتخار فقیر به دانش خود  
 و افتخار ثروتمند به ثروتش می باشد.  
 ۳۱ اگر فخری در فقر داری در ثروت چه بسا بیشتر بود  
 و اگر در دولتمندی فخری نداری در فقر چه بسا بیشتر.

۱:۱۱

### عدم اعتماد به ظواهر

۱ حکمت شخص فروتن او را سر بلند می گرداند ،  
 و وی را در میان بزرگان جای می دهد.  
 ۲ انسان را به خاطر زیبائیش تحسین مکن ،  
 و هیچ کس را به خاطر چهره اش مکروه مدار.  
 ۳ در میان بالداران کوچکتر از همه زنبور است ، اما ثمره اش در رأس شیرینی هاست.  
 ۴ به جامه هایی که تو را می پوشانند غره مشو  
 و به روز افتخار سر بر نیاور<sup>f</sup>  
 زیرا اعمال خداوند شگفت آور هستند ،  
 و بر انسان ها کارهای وی مخفی است<sup>g</sup>.  
 ۵ بسیاری از درهم شکستگان بر تخت می نشینند<sup>h</sup>  
 و کسی دیهیم بر سر می نهد که هیچ کس به فکرش نمی رسد.  
 ۶ چه بسیار قدرتمندان که بدترین توهین ها را شناخته اند  
 و انسان های برجسته که به دست کسان دیگر افتاده اند.  
 ۷ پیش از بررسی سرزنش مکن ،  
 اول فکر کن بعد تو بیخ نما.  
 ۸ پیش از شنیدن، پاسخ مده ،  
 و در میان صحبت وارد نشو.  
 ۹ در امری که به تو مربوط نیست<sup>i</sup> معترض نشو  
 و با گناهکاران برای داوری منشین.

امت ۱۳:۱۸

### فقط کمک الهی مؤثر است

f- عبری: شخص بد لباس را مسخره مکن / شخص تلخ روزگار را ریشخند منما.  
 g- یعنی اعمال خدا که نامرئی و غیر قابل پیش بینی است و کلیه اوضاع بستگی به یک ضربه تقدیر دارد. ر.ک. ۱- سمو ۸:۲؛  
 مز ۱۱۳: ۷ و آیات بعد؛ ایوب ۱۲: ۱۷-۱۹.  
 h- عبری: چه بسیار فروتنان که بر تخت نشسته اند.  
 i- عبری: که به تو زبانی نمی رساند.

۱۰ ای فرزند زیاد پرمشغله مباش،

زیرا با افزودن کارها، بدون ملامت نخواهی ماند

لو ۱۰:۴۱-۴۲

و با دنبال کردنشان، آن‌ها را به تصرف درخواهی آورد،

و با گریختن، رهایی نخواهی یافت.<sup>۱</sup>

۱۱ شخصی این چنین می‌کند، زحمت می‌کشد و شتابان است،

چه کسی از او محروم تر<sup>k</sup> می‌باشد.

امت ۱۱:۲۴

و بی‌رمق<sup>l</sup> و غرق در فقر است،

۵:۲۱

مز ۱۰:۱۲۷-۱۲۸

اما چشمان خدا خیرخواهانه به وی می‌نگرد، و او را از خفت<sup>m</sup> برمی‌افرازد.

۱۳ و سراو را بلند می‌کند<sup>n</sup>

به حدی که درباره وی چه بسیار به شگفت می‌آیند.

۱۴ نیکی‌ها و بدی‌ها، زندگانی و مرگ،

فقر و ثروت از خداست<sup>o</sup>.

۱۷ موهبت خدا نصیب افراد پارساست<sup>p</sup>

و نیک خواهی وی برای همیشه موفقیت آن‌ها را تضمین می‌کند.

اش ۷:۴۵

ایوب ۱:۲۱

۱۰:۲

۱۸ کسی هست که به خاطر توجه زیاد و امساک ثروتمند می‌گردد،

سهم وی از پاداش این است.

۱۹ به هنگامی که می‌گوید: «من به آسایش رسیده

و اینک از اموالم خواهم خورد.»،

نمی‌داند که زمان خواهد گذشت،

سپس همه را به دیگران واگذاشته، خواهد مرد.

مز ۱۷:۱۷-۱۸

ایوب ۲۷:۱۶-۲۳

جا ۲۱:۲۳-۲۴

لو ۱۶:۱۲-۲۱

j- عبری: پسرم تا نروی، نرسی / و تا نجوئی، نیایی.

k- محروم یا فاصله دار. در کتاب بن سیراخ دست کم در متن یونانی، نسبت به موفقیت فعالیت‌های انسانی کمتر اعتماد می‌شود.

l- قدرت یا وسیله.

m- عبری: از خاک مذلت یا تحت اللفظی از خاک عفن، پوسیده، گندیده.

n- متن عبری اضافه می‌کند: سرافراز می‌گرداند.

o- در برخی از دست‌نوشته‌های یونانی اضافه شده است: ۱۵ حکمت، علم و معرفت بر تورات از خداوند است. / محبت و راه

کارهای نیکو نیز از وی است (عبری: حکمت، حسن تشخیص و فهم سخن از خداوند است) / گناه و راه راست نیز از خداوند

است. (۱۶ دیوانگی و تاریک اندیشی را برای گناهکاران آفریده اند / آنان که از بدی خوششان می‌آید در بدی پیر می‌شوند.

p- پارسا یا پرهیزکار در اینجا معادل واژه‌ای در عبری است که به معنای عادل می‌باشد.

## اهمیت مرگ

۲۰ در پیمان<sup>q</sup> خویش استوار باش، زندگانت را به وی تخصیص ده،  
و در اعمالت به پیری گرای.  
۲۱ از اعمال گناهکاران تعجب مکن،  
به خدا ایمان داشته باش و در کوشش خود پایدار باش،  
زیرا به دیدگان خدا این امری سهل است  
که ناگاه به حرکتی مرد مستمند را غنی گرداند.  
۲۲ برکت خدا پاداش مرد پارساست،  
و به لحظه ای زودگذر برکت<sup>t</sup> خویش را شکوفا می سازد.  
۲۳ مگو: «به چه چیزی نیاز دارم<sup>s</sup>»  
و به چه مالی زین پس به انتظار باشم؟»  
۲۴ مگو: «آنچه را لازم است دارم،  
و پس از این چه بدی مرا فراخواهد رسید؟»  
۲۵ به روز خوشبختی، بدبختی فراموش می گردد،  
و به روز بدبختی، دیگر از خوشبختی یاد نمی شود<sup>t</sup>  
۲۶ زیرا برای خدا این امری سهل است،  
که در واپسین روز، پاداش انسان را برابر رفتارش دهد.  
۲۷ یک ساعت ادبار، لذت ها را فراموش گرداند،  
و در پایان [عمر] انسان است که اعمالش آشکار می شود.  
۲۸ پیش از پایان، هیچ کس را خوشبخت مدان،  
زیرا آدمی در پایان عمرش<sup>u</sup> شناخته می شود<sup>v</sup>.

مز ۳۷:۱  
۳۳:۷۳  
امت ۳:۳۱  
۱۷:۲۳

روم ۲:۶

q- عبری: در سعی خود. متن یونانی بین معانی کهن واژه عبری انتخاب درستی نکرده اما از رساندن فکر تحکم و تحمیلی باز نمانده است. واژه پیمان را در اینجا باید به معنای تورات گرفت.

t- یا موفقیت وی...

s- عبری: من به آرزویم رسیدم. تحت اللفظی: میل خود را راضی کردم. سراسر آیه می تواند دارای دو معنای متقابل باشد: اگر وجه استفهامی واقعی باشد نظر نقادی نویسنده معطوف به عدم استرضای دائمی کسی است که همواره در طلب آن چیزی است که امکان دارد از آن محروم باشد. اما اگر وجه استفهامی خطابی است آن را باید به معنای صیغه نفی گرفت و آن رضایت متکبرانانه از خویش است که باید از آن پرهیز کرد. در این صورت آیه ۲۳ به موازی آیه ۲۴ خواهد بود. بن سیراخ وجه استفهامی خطابی را بیشتر می پسندد.

t- آیات ۲۵ ب-۲۶ در متن عبری با بدل ۲۷ جایگزین شده است.

u- در متن یونانی آمده است به فرزندانش، که انتخاب درستی بین معانی گوناگون واژه عبری نیست. معنایش می تواند به فرزندانش یا به مرگش باشد.

v- این طرز فکر که تألیف یونانیان بوده در ادبیات یهود نیز دیده می شود، ر.ک. قطعه مشهور کرزوس و سولون حکیم یونانی که هرودوت آورده است، تواریخ ۱:۳۰-۳۲. نویسنده داوری را که در روز مرگ به انتظار آدمی است مورد تردید قرار نمی دهد اما درباره معنای پاداش و سزا توضیحی ندارد.

## اعتماد نکردن به بدکاران

- ۲۹ هر کس را به خانه ات راه مده،  
 زیرا دام های حيله بسيار است.  
 ۳۰ کبک [دست آموز] در قفس، چون قلب متکبر است<sup>w</sup>  
 و چون جاسوسی در کمین سقوط توست<sup>x</sup>.  
 ۳۱ با گرداندن نیکی به بدی، دام می گسترده<sup>y</sup>  
 و به بهترین چیزها لکه ای می نهد.  
 ۳۲ یک جرقه، اخگر بزرگی پدید می آورد،  
 و مرد گناهکار دام های مهلك می گسترد.  
 ۳۳ به شیر اطمینان نکن، زیرا وی بدی را می تند،  
 بترس از آن که لکه ای ابدی بر تو وارد آورد<sup>z</sup>.  
 ۳۴ غریبه را جای دادن، تو را به دردسر خواهد کشاند  
 و افراد خانه ات را از تو دور خواهد کرد.

تشخیص در نیکوکاری<sup>a</sup>

- ۱۲  
 ۱ اگر نیکی می کنی، بدان به چه کسی نیکی می کنی<sup>b</sup>  
 و از نیکوکاری تو خرسند خواهند بود.  
 ۲ به مرد پارسا نیکویی کن که عوضش به تو داده خواهد شد،  
 هرچند او ندهد دست کم باری تعالی خواهد داد.  
 ۳ نیکی برای کسی نیست که در بدی اصرار می ورزد،  
 و نه برای آن کس که صدقه نمی دهد<sup>c</sup>.  
 ۴ به مرد پارسا ببخش اما به یاری گناهکار بر مخیز<sup>d</sup>.  
 ۵ به متواضع نیکی کن ولی به بی دین نبخش،  
 نانش را از وی دریغ دار، آن را به وی مده،

w- همان طور که با قرار دادن سوت سوتکی در قفس برای جلب سایر پرندگان، قلب متکبر نیز همسایه و همنوعش را به سوی دام گناه می کشاند.

x- بین دو مصرع آیه ۳۰ در عبری ۶ بیت وجود دارد که در متن یونانی نیست مگر به صورت فرعی در متن سریانی.

y- عبری: افترا زننده نیک را به بد تبدیل می کند.

z- در متن عبری، بین آیات ۳۳ و ۳۴ اضافه شده: با شیر پیوند پیدا مکن، باعث گمراهی تو خواهد شد و تو را از پیمان باز خواهد گردانید. اشاره احتمالی به جریانی از یونانی گرائی که موجب روی گردانی از تورات شده بود.

a- ملاحظه کاری و احتیاط در شفقت و مهربانی را باید چنین توضیح داد که کتاب بن سیراخ زمانی تألیف شد که دوران بحران بود و یهودیت در محاصره نهضت یونانی گری در حال پیشرفت، به طوری که برای بقاء خود باید هر نوع مصالحه و آشتی با رقیب متخاصم را رد می کرد.

b- عبری: اگر به شخص نیکوکار بدی کنی پس به چه کسی خوبی خواهی کرد؟

c- عبری: در نیکی کردن به شیر سودی وجود ندارد/ حتی عمل درستی نیست.

d- تکرار و بدل آیه ۷. در متن عبری وجود ندارد.



از بیم آن که بر تو پیشی گیرد<sup>e</sup>  
 در این صورت برای هر نیکویی که از بهرش کنی  
 دو برابر بدی دریافت داری<sup>f</sup>.  
<sup>g</sup> زیرا باری تعالی خود از گناهکاران متنفر است ،  
 و از بی دینان انتقام خواهد کشید<sup>g</sup>.  
<sup>h</sup> به مرد نیکو ببخش اما به یاری گناهکار بر مخیز<sup>h</sup>.

### دوستان حقیقی و دروغین

<sup>۸</sup> دوست را در ناز و نعمت نمی شناسند<sup>i</sup>  
 و نه در خصومتی که دشمن پنهان می دارد.  
<sup>۹</sup> وقتی انسانی خوشبخت است دشمنانش غمگین هستند<sup>j</sup>.  
 و وقتی بدبخت است حتی دوستش هم از وی جدا می شود.  
<sup>۱۰</sup> هرگز به دشمن خویش اعتماد مکن ،  
 زیرا همان گونه که مفرغ زنگار می بندد، شرارت وی نیز زنگار می بندد<sup>k</sup>.  
<sup>۱۱</sup> حتی اگر تواضع پیشه کند<sup>l</sup> و خمیده راه رود ،  
 روحت را بیدار نگاه دار و خویشتن را از وی محافظت کن.  
 با وی چون صیقل آینه باش  
 و بدان که زنگارش تا پایان نباید<sup>m</sup>.  
<sup>۱۲</sup> وی را در کنار خود جای مده ،  
 برای گرفتن جاییت تو را واژگون خواهد کرد.  
 وی را در سمت راست خود منشان ،  
 در صدد گرفتن نشیمنگاهت بر خواهد آمد  
 و سرانجام تو سخنان مرا درک خواهی کرد<sup>n</sup>.

۱۷-۵:۶  
 امث ۴:۱۹

امث ۲۵-۲۴:۲۶

- e- عبری: به وی جنگ افراز مده / از بیم آن که علیه تو به کار برد.  
 f- عبری اضافه می کند: به هنگام خشکسالی و قحطی تو.  
 g- برخی دست نوشته های یونانی می افزایند: تا روز عقوبت مراقب آن هاست. عیسی استدلال خلاف آن را در مورد رفتار گشوده نسبت به همه تأکید می کند، مت ۵:۵:۴۵.  
 h- متن عبری می افزاید: فروتن را دلداری بده اما به مرد پر نخوت هیچ مده.  
 i- این آیه از روی متن عبری ترجمه شده. متن یونانی آن مبهم است.  
 j- عبری: حتی کسی که از او نفرت دارد با وی دوستی می کند.  
 k- همان طور که زنگار به فلز حمله ور می شود شرارت نیز خود را می نمایاند. به معنای احتمالی دیگر: همان طور که زنگار فلز را پوشانده، شرارت نیز مخفی است، ر.ک. آیه ۱۱.  
 l- اگر نسبت به تو گوش شنوا داشته باشد.  
 m- یا: برای آن که اطمینان یابی که زنگارش تا آخر سائیده نمی شود. عبری: با وی مانند کسی رفتار کن که رازی را برملا می گرداند / و راهی برای لطمه زدن به تو نمی یابد / از عواقب حسادت آگاه باش.  
 n- عبری: و به ناله من خواهی نالیید.

و از گفتارهای من معذب خواهی شد.  
 ۱۳ چه کسی بر افسونگر مارگزیده  
 و کسانی که به درندگان نزدیک می شوند، ترحم خواهد کرد؟  
 ۱۴ این چنین است کسی که با گناهکاری معاشرت می کند<sup>o</sup>  
 و به گناهان وی درمی آمیزد<sup>p</sup>.  
 ۱۵ ساعتی با تو به سر می برد<sup>q</sup>  
 اما اگر روی بگردانی، وی بیشتر نیاید.  
 ۱۶ دشمن به لب هایش شاهد دارد  
 اما در قلبش به فکر سرنگونی تو به درون گودال است<sup>r</sup>،  
 دشمن به دیدگان اشک دارد  
 اما اگر فرصت یابد از [ریختن] خونت دریغ نخواهد کرد.  
 ۱۷ اگر بدبختی تو را فرا رسد وی را در برابر خود خواهی یافت،  
 که به بهانه کمک به تو پا جلوی پایت نهاده تو را به زمین خواهد زد.  
 ۱۸ سر را جنبانده و دست ها را برهم می کوبد،  
 و با حرف های درگوشی بسیار، تغییر چهره خواهد داد<sup>s</sup>.

### دام های ثروتمند مغرور

۱۳<sup>۱</sup> هر کس به زفت دست بزند خود را نجس سازد،  
 و هر کس با متکبر<sup>t</sup> درآمیزد مانند وی گردد.  
 ۲ باری بسیار گران برمدار  
 و با ثروتمندتر و قوی تر از خود درمی آمیز.  
 چگونگی کوزه گلی با دیگ مسین پیوند یابد؟  
 این یک آن را تنه زده دیگری درهم خواهد شکست<sup>u</sup>.  
 ۳ ثروتمند مرتکب ظلم می گردد و خود اوست که خشمگین می شود<sup>v</sup>،  
 فقیر ظلم را متحمل می گردد و باید عذر خواهی هم بکند<sup>w</sup>.  
 ۴ اگر برای او سودمند باشی، از تو بهره برداری می کند،

o- عبری: که با زن بی پروا همدم شود.  
 p- عبری می افزاید: بدون آن که آتش او را نسوزاند نخواهد گذشت/ تا زمانی که با تو راه می سپارد/ خود را بر تو آشکار نخواهد کرد/ و اگر تو از پا در آفتی حتی خم نخواهد شد تا به تو یاری دهد.  
 q- عبری: تا زمانی که بر سر پا هستی، وی خود را بر تو آشکار نخواهد کرد.  
 r- عبری: در اندیشه گودال های عمیق است.  
 s- حرکت متداول برای مسخره، ار ۱۸:۱۶؛ حزق ۲۵:۶؛ نا ۳۹:۱۹؛ مز ۲۲:۸؛ ۱۰۹:۲۵؛ مرا ۲:۱۵. تغییر چهره خواهد داد: چهره پیروزمند او نشان خواهد داد که تعلق خاطرش خدعه و تزویر بوده است، ر.ک. آیه ۱۶ پ.  
 t- عبری: استهزاء کننده.  
 u- این تشابه مشهور در بین داستان سرایان یونانی مانند ازوپ مقارن ۶۰۰ ق.م هم یافت می شود. متن عبری می افزاید: و چرا ثروتمند با فقیر در هم آمیزد؟  
 v- عبری: غره می شود.  
 w- عبری: ناله می کند.

اما اگر به وی بهره نرسانی، تو را ترک خواهد کرد.  
 ۵ اگر مالی داری، با تو زندگانی خواهد کرد،  
 بدون هیچ غصه‌ای تو را از هستی ساقط خواهد نمود.  
 ۶ اگر به تو نیازی داشته باشد، از وجودت سوء استفاده خواهد کرد.  
 بر تو لبخند زده به تو امید خواهد داد،  
 با سخنان نیکو تو را مخاطب ساخته می‌گوید: «چه کار می‌توانم برایت بکنم؟»  
 ۷ با ضیافت هایش تو را شرمنده خواهد کرد<sup>Y</sup>،  
 تا دو سه بار تو را از هستی ساقط کند<sup>Z</sup>  
 و سرانجام تو را مسخره خواهد کرد؛  
 سپس اگر تو را ببیند رهایت کرده  
 سرش را در برابر تو خواهد جنباند.  
 ۸ مراقب باش مبادا بگذاری از تو سوء استفاده شود،  
 و به خاطر دیوانگی ات سرافکننده گردی<sup>a</sup>.

### اعتماد نکردن به بزرگان

۹ وقتی قدرتمندی تو را دعوت می‌کند فاصله بگیر،  
 با اصرار بیشتر تو را دعوت خواهد کرد<sup>b</sup>.  
 ۱۰ خود را تحمیل مکن مبادا رانده شوی،  
 خیلی فاصله بگیر مبادا فراموش گردی.  
 ۱۱ جسورانه با وی مانند هم طراز سخن مگو  
 و به گفتارهای بیشمار وی اعتماد مکن،  
 زیرا باز یاد گفتن تو را می‌آزماید،  
 وقتی هم می‌خندد تو را آزمایش می‌کند.  
 ۱۲ او که پای بند حرف هایش نیست بی‌رحم است،  
 تو را از ضربات و زنجیرها معذور نخواهد داشت<sup>c</sup>.  
 ۱۳ بنگر و نیک مراقب باش  
 زیرا با سقوط خود ره می‌سپاری<sup>d</sup>.

x- تحت اللفظی: به چه چیزی احتیاج داری؟ (ر.ک. پیرکه آبوت ۱۱:۳). دو آیه آخری در متن عبری وجود ندارد.

y- تو را مجبور خواهد کرد به ازاء دفعاتی که میهمانش بودی وی را میهمان کنی.

z- عبری: تا زمانی که سود می‌برد، با تو بازی خواهد کرد/ دو سه بار به تو احترام خواهد گذاشت.

a- عبری: مراقب باش زیاد مشوش نشوی/ و به نابخردان مانند نباشی. در متن عبری این آیات بیشتر در ارتباط با مطالب بعدی است.

b- عبری: وقتی مرد ثروتمندی نزدیک می‌شود، تو خود را دور نگاه دار / بیشتر به سوی تو خواهد آمد.

c- عبری می‌افزاید: اگر ظالمی به حکومت رسد، به کسی رحم نخواهد کرد و زندگی بسیاری به مخاطره خواهد افتاد. معنای مبتنی بر حدس و گمان چه در متن یونانی چه در متن عبری.

d- عبری: با مرد ظالم همراه نشو. برخی دست‌نوشته‌های یونانی می‌افزایند: ۱۴ با شنیدن آن در عالم خواب/ برخیز و سراسر عمر به خدا محبت داشته باش/ و برای نجات خود نام وی را بر زبان آور.

## تباین ثروتمند و فقیر

- ۱۵ هر جاننداری همسان خود را دوست دارد ،  
 و هر انسانی، هم‌نوع خویش را.  
 ۱۶ هر تنی با جنس خود متحد می شود ،  
 و انسان به همسان خود می پیوندد.  
 ۱۷ پس چگونه بین گرگ و بره پیوستگی باشد<sup>e</sup>؟  
 چنین است [وضع] گناهکار نسبت به پارسا.  
 ۱۸ چه مصالحه ای بین گفتار و سگ است؟  
 و چه صلحی بین ثروتمند و فقیر؟  
 ۱۹ گورخرها در دشت طعمه شیرانند ،  
 و همچنین فقیران چراگاه ثروتمندان.  
 ۲۰ کراهت متکبران از فروتنی  
 و نیز کراهت ثروتمندان از فقیران است.  
 ۲۱ وقتی ثروتمند متزلزل گردد دوستانش کمک کنند<sup>f</sup>،  
 اما وقتی درمانده درافتند دوستانش وی را برانند.  
 ۲۲ ثروتمند اگر بلغزد بسیاری به یاریش آیند،  
 اگر یاوه گوید توجهش کنند<sup>g</sup>،  
 اگر فقیری بلغزد وی را سرزنش کنند<sup>h</sup>  
 و اگر سخنان معنادار گوید هرگز وقتی به وی نگذارند.  
 ۲۳ وقتی ثروتمند سخن می گوید خاموش می شوند،  
 گفتارش<sup>i</sup> را به عرش می رسانند؛  
 اما اگر فقیر سخن گوید می گویند: «وی کیست؟»  
 و اگر سکندری خورد، وی را واژگون سازند.  
 ۲۴ ثروت نیکوست وقتی عاری از گناه باشد ،  
 و اما فقر به گفته بی دین بد است<sup>j</sup>.  
 ۲۵ قلب انسان چهره اش را تغییر می دهد،  
 خواه بد یا خواه خوب باشد.

مر ۱۰:۲۳-۲۴:  
 مت ۱۳:۲۲:  
 امث ۱۵:۱۳

e- تصویری رایج. اش ۶:۱۱ از صلح و آشتی گرگ و بره به عنوان یکی از نشانه های دوران مسیحائی سخن می گوید، ر.ک. مت ۱۶:۱۰.

f- عبری: از نزد دوستی به نزد دوست دیگر فرستاده شود.

g- عبری: وقتی ثروتمند حرف می زند، حکمت وی عیان می گردد / گفتارهای مستهجن وی به گوش مطبوع می آید.

h- عبری: هو می کنند.

i- عبری: حکمتش.

j- متن یونانی چشم بسته دست به ترجمه سبک عبری زده که معنایش در حد کفر است. به نظر می رسد این آیه درصدد تصحیح آیات قبلی است: ثروتمند همیشه بدکردار ظالم نیست همان گونه که فقیر همیشه مرد بی گناه و خوبی نیست.

۲۶ چهره مردی که قلبش راضی است، شاد<sup>k</sup> است،  
اما برای ساختن امثال باید سخت اندیشید<sup>l</sup>.

### سعادت عادل<sup>m</sup>

۱ خوشا به حال مردی که زبانش وی را لغزش نداده  
و به اندوه گناهان معذب نشده است!  
۲ خوشا به حال آن که روحش وی را محکوم نکند<sup>n</sup>  
و دست از امید نشسته باشد!

۱۴

بع ۳:۲

### طمع و خست

۳ مرد مسکین را ثروت برازنده نباشد،  
و برای انسان طمع کار ثروت به چه کار آید؟  
۴ هر که با محروم کردن خود می اندوزد، برای دیگری جمع می کند،  
و با اموالش دیگران سورچرانی خواهند کرد.  
۵ هر که با خودش بد است، برای چه کسی خوب تواند بود؟  
حتی از ثروت خویش نیز بهره مند نخواهد شد.  
۶ هیچ چیز بدتر از آن نباشد که شخص به خودش خست بورزد،  
این درست بازگشت بدی هایش به خودش می باشد.  
۷ حتی اگر نیکی کند، از سر سهواست،  
و سرانجام بدیش را آشکار خواهد کرد.  
۸ انسانی که دیدگان حسود دارد بد است،  
آن که رویش را برمی گرداند و مردمان را خوار می شمارد.  
۹ چشم طماع از سهم خویش سیر نمی شود  
و حرص بی اندازه روح را می خشکاند<sup>p</sup>.  
۱۰ بدچشم<sup>q</sup> در نان امساک بی حد می کند  
و نان در سفره اش نیست<sup>r</sup>.

جا ۵:۹  
۲:۶

امت ۱۱:۱۷

k- عبری: نیکو؛ در متن یونانی، معنای جشن و سرور برای واژه شاد آمده و این ناشی از سهو در قرائت متن عبری است.

l- عبری: مرد فرو بسته افکار اندوهگین به زبان می راند. این متن هم در یونانی و هم در عبری مبهم است.

m- بن سیراخ پس از بسط کلام درباره خطر ثروتمندان، اعلام می دارد که تنها مرد عادل سعادت مند است.

n- عبری: که خود را محروم نکند.

o- آیات ۷ و ۸ در متن عبری وجود ندارند و آیه ۸ در متن سریانی هم نیست. انسان بد نهاد رویش را از کسی که به وی نیاز دارد برمی گرداند.

p- عبری: هر کس جانب هم نوع خود را بگیرد جانب خود را از دست خواهد داد.

q- بد چشم، اصطلاحی که از زبان عبری گرفته شده [در فارسی: شور چشم].

r- عبری می افزاید: چشم خوب بر نان می افزاید/ و از چشمه ای خشک آب بر سفره می باشد.

## استفاده درست از ثروت

- ۱۱ ای فرزند برحسب آنچه داری از خود خوب مراقبت کن  
و پیشکشی قابل به خداوند تقدیم نما<sup>s</sup>.
- ۱۲ به یاد آر که مرگ درنگ نخواهد کرد  
و پیمان هاویه [هنوز] بر تو آشکار نشده است.<sup>t</sup>
- ۱۳ پیش از مرگ به دوست خود نیکی کن،  
و بنا به وسع خویش نسبت به وی گشاده دست باش.
- ۱۴ خود را از روزی خوش محروم مگردان  
و مبدا که آروزی نیکوئی جائی از تو دریغ شود.<sup>u</sup>
- ۱۵ آیا ثمره کوشش های خود را به دیگری واگذار خواهی کرد،  
و حاصل زحمات خویش را با سرنوشت سهیم خواهی شد؟
- ۱۶ بده و بستان و روح خود را شادمان ساز،  
زیرا هاویه جای جستجوی لذات نباشد.<sup>v</sup>
- ۱۷ هر تنی چون جامه کهنه می شود  
زیرا قانون ازلی این است: «قطعاً خواهی مرد.»
- ۱۸ همان گونه که در رویش برگ های درختی انبوه،  
برگ هایی می ریزد و برگ های دیگری می روید،  
نسل های تن و خون نیز این چنین است،  
یکی می میرد، دیگری متولد می شود.
- ۱۹ همه اعمال فاسد محو می شوند،  
و انجام دهنده اش با آن می رود.<sup>w</sup>

در صمیمیت حکمت<sup>x</sup>

- ۲۰ خوشا به حال آن مردی که در حکمت تعمق کند  
و با خرد خود استدلال نماید،
- ۲۱ که در دل خویش در راه هایش اندیشه کند  
و رازهای<sup>y</sup> آن را بررسی نماید.

S- متن یونانی مصرع دوم، معنای عبری را درست درک نکرده است: مطابق وسع خود گشاده دست باش.  
t- احتمالاً موضوع مورد بحث حکمی است مبتنی بر قطعیت تاریخ مرگ.  
u- عبری: وقتی دیگر را تقسیم می کنند از آنجا مرو/ و با امیال شر تغذیه مکن.  
v- بنا بر مفهوم سنتی، روحی که به وادی مردگان سرازیر شده نه لذت می فهمد و نه درد.  
w- عبری: همه اعمال آدمی برای تباهی مقدر شده اند/ و اعمال دست وی او را تعقیب خواهند کرد.  
x- به ویژه حکمت را می توان در امثال و ضرب المثل ها یافت.  
y- عبری: بر کوره راه هایش، با اصلاح متن عبری از روی متن سریانی.

- ۲۲ آن را چون شکارچی پی کند ،  
و در گذرگاه هایش در کمین باشد.  
۲۳ از پنجره هایش نگاه کند ،  
و بر در هایش گوش ایستد.  
۲۴ نزدیک جایگاهش، اقامت کند ،  
و میخی چوبی<sup>z</sup> بر دیوار هایش فرو کند.  
۲۵ خیمه اش را پهلوی آن برپا دارد ،  
و به خوشبختی مقیم شود.  
۲۶ فرزندان<sup>a</sup>ش را به زیر پناهگاهش جادهد<sup>a</sup>  
و به زیر شاخسارهای آن ساکن شود.  
۲۷ وی، او را از گرما حفظ می کند  
و در شکوهش او را ساکن می گرداند<sup>b</sup>.

## پاداش نیکوکار

- ۱۵ کسی<sup>۱</sup> که از خدا می ترسد این چنین می کند ،  
و آن کس که تورات را رعایت می کند<sup>c</sup> صاحب حکمت می شود.  
۲ حکمت چون مادری به دیدارش می رود  
و چون نامزدی باکره<sup>d</sup> وی را می پذیرد.  
۳ از نان خرد تغذیه می کند ،  
و از آب حکمت می آشامد.  
۴ خردمند بر حکمت تکیه می کند و به زانو نمی افتد ،  
و به وی می پیوندد و از آن متحیر نمی شود.  
۵ حکمت وی را برتر از همگنان<sup>e</sup>ش می افرازد ،  
و در میان انجمن دهان وی را می گشاید.  
۶ وی شادی و تاج خرمی می یابد  
و نامی جاودان به میراث می برد.  
۷ مردان نابخرد هرگز صاحب حکمت نخواهند شد ،  
و مردان گناهکار هرگز آن را نمی بینند.  
۸ او به دور از تکبر<sup>e</sup> است ،

تث ۳۲:۲؛  
اش ۱۲:۳؛  
ار ۲:۱۳؛  
۱۷:۱۳؛  
حزق ۴۷:۱-۱۲

- Z - عبری: طناب هایش.  
a - عبری: در میان شاخه هایش لانه خود را می سازد.  
b - عبری: تحت حمایت خویش. این شکوه شاید مشخصه ابری باشد که نشانه حضور خداست (خروج ۱۰:۱۶، حزق ۱:۲۸)، این همان «شکینه» (حضور) مذکور در ادبیات ربی هاست.  
c - کاتب یا «معلم تورات» بیش از پیش نقش مهم تری در یهودیت می یابد.  
d - عبری: زن جوانیش.  
e - عبری: تمسخر کنندگان.

و دروغگویان به آن نمی اندیشند.  
 ۹ ستایش در دهان گناهکار سزاوار نیست  
 زیرا از سوی خدا برای او فرستاده نشده است.  
 ۱۰ زیرا بیان ستایش به حکمت است<sup>f</sup>  
 و الهام بخش<sup>g</sup> آن خدا.

### آزادی انسان

۱۱ مگو: «به خاطر خدا پیمان شکنی کرده ام<sup>h</sup>»،  
 زیرا آنچه وی منفور دارد، انجامش نمی دهد.  
 ۱۲ مگو: «او مرا سرگردان کرده است»  
 زیرا وی را به گناهکار نیازی نیست.  
 ۱۳ خدا از هر کراهتی نفرت دارد،  
 و هیچ کراهتی مورد علاقه ترسندگان او نیست.<sup>i</sup>  
 ۱۴ خداست که در آغاز انسان را آفرید<sup>j</sup>  
 و او را به مشورت خویش سپرده است.<sup>k</sup>  
 ۱۵ اگر بخواهی، می توانی فرمانها را نگاه داری  
 و با وفاداری اراده نیکوی او را به انجام خواهی رساند.<sup>l</sup>  
 ۱۶ او آب و آتش را در برابر تو نهاده،  
 به هر کدام خواهی دست دراز کن.  
 ۱۷ مرگ و زندگانی در برابر انسان هاست<sup>m</sup>،  
 و به هر کس آنچه خوشایندش باشد داده خواهد شد.  
 ۱۸ زیرا حکمت خدا عظیم است،  
 او قوی و نیرومند است و همه چیز را می بیند.

یع ۱۳:۱-۱۵

تث ۱۱:۲۶

f- عبری: ستایش از دهان حکیم برمی آید.  
 g- عبری: کسی که صاحب آن است آن را تعلیم دهد. در آیات ۹-۱۰ ستایش از آن حکیم است.  
 h- بن سیراخ علیه تمایلات گناهکار مبنی بر افکندن مسئولیت خطاهایش به خدا اعتراض می کند، این امر منتج به ملاحظات عمومی تری درباره آزادی بشری می شود.  
 i- عبری: و نمی گذارد که هیچ کراهتی با ترسندگان او روبه رو شود.  
 j- عبری می افزاید: او را به دست دشمن می سپارد.  
 k- ... از دید بن سیراخ هوز هم مفهوم خشی «اراده آزاد که می تواند بر نیکی یا بدی قرار گیرد» وجود دارد (ر.ک. پیشگفتار؛ بنسی ۳۷:۳). در ادبیات حاخام ها تفاوت اندکی بین گزینه وجود دارد. تلمود (Qidd 30b) می گوید: «من گزینه شر و تورات را برای مداوای آن خلق کرده ام. اگر خود را وقف مطالعه تورات کنی به پای شر نخواهید غلتید» (همچنین ر.ک. پیرکه ابوت ۴:۲): رساله یع ۱۳-۱۷ و اراسموس (رساله اراده آزاد). این آیه درباره آزادی انسان همیشه محل بحث بوده است.  
 l- عبری: اگر بخواهی احکامش را مراعات خواهی کرد/ و خرد را برای انجام اراده اش / اگر به وی ایمان داری، تو نیز زندگانی خواهی یافت.  
 m- مضمون دو طریق، یعنی گناه و حکمت. ر.ک. تث ۳۰:۱۵-۲۰:۲۱: ۸:۲۱: امت ۲:۸-۹، ۱۲:۲۰: دیدگاه ۱-۲: ۱:۵.



۱۹ چشمانش بر کسانی است که از وی می ترسند<sup>n</sup>،  
و وی بر تمامی کارهای آدمی آگاه است.  
۲۰ وی به هیچ کس اجازه نداده بی دین باشد<sup>o</sup>  
و به هیچ کس اجازه گناه کردن نداده است.

مز ۱۳:۳۳-۱۵

### لعنت بی دینان

۱۶<sup>۱</sup> در آرزوی فرزندان بسیار و بی مصرف مباش ،  
و از داشتن پسرانی بی دین خوشنود مشو.  
۲ زیرا اگر ترس خدا با آنان نباشد  
زاد و ولدشان<sup>p</sup> باعث شادی تو نشود.  
۳ بر [طول] عمر ایشان<sup>q</sup> حساب مکن  
و بر شمار آنان تکیه منما<sup>r</sup>،  
زیرا یک<sup>s</sup> بهتر است از هزار ،  
و بدون فرزند مردن بهتر از داشتن فرزند بی دین است.  
۴ تنها توسط یک مرد هوشمند<sup>t</sup> شهری پرجمعیت می گردد  
اما قبیله بدون قانون<sup>u</sup> ویران خواهد شد.  
۵ دیدگانم چه بسا چیزهای مشابه دیده  
و گوش هایم چه بدتر از این ها شنیده است.  
۶ در انجمنی از گناهکاران آتشی روشن شده ،  
و علیه قومی سرکش خشمی برافروخته گشته است<sup>v</sup>.  
۷ او هرگز غولان<sup>w</sup> کهن را نبخشیده

لاو ۲۶:۳۰-۳۱  
تث ۲۸:۱۵-۲۹  
۲۹:۲۰-۲۱

- n- عبری: دیدگان خدا ناظر آفریدگان است.  
o- متن عبری پس از قسمت اولی این آیه می گوید: و دروغگویان را تقویت نکرده/ و برآنانی که اعمال بیهوده کرده اند رحم نیاورده است/ و نه درباره کسانی که رازی را فاش کرده اند.  
p- و حتی اگر بارور شوند.  
q- در برخی نسخ: زندگانیشان، یعنی طول عمرشان.  
r- در بسیاری از نسخه های یونانی اضافه شده است: چرا که از اندوهی پیش رس خواهی نالید/ و ناگهان به انتهای آن وقوف خواهی یافت.  
s- در عبری اضافه شده است: به رضایت (خدا) رفتار کردن- بن سیراخ به تأسی از دیگران (ر.ک. امث ۱۷:۲۱؛ ۱۳:۱۹) بر اندیشه سنتی که خانواده پرشمار نشانه برکت خداست تأکید می کند. اما آنچه به حساب می آید تعداد فرزندان نیست بلکه ارزش آنان است یعنی حکمت و خرد آنان.  
t- هوشمند؛ عبری: بدون فرزند و خدا ترس.  
u- عبری: با نژاد فاسد به نابودی کشیده خواهد شد. آیا در اینجا اشاره ای به طوبیا، خانواده پرنفوذ عمونی و کاهن اعظم شمعون دوم وجود دارد (ر.ک. باب ۵۰)؟  
v- اشاره احتمالی به عدم اطاعت قوم بنی اسرائیل در دروران موسی (اعد ۱۱:۱؛ ۱۶:۱-۳۵).  
w- در متن عبری: شاهزادگان.

- که به خاطر نیرویشان طغیان کرده بودند<sup>x</sup>.
- <sup>۸</sup> او مردمی را که لوط نزدشان ساکن بود محفوظ نداشت،  
که به خاطر غرورشان از ایشان منزجر بود<sup>y</sup>.
- <sup>۹</sup> بر ملتی گمگشته که در گناهان خویش غرق بودند رحم نیاورد<sup>z</sup>.
- <sup>۱۰</sup> و نه بر ششصد هزار مرد پیاده ای  
که با دل سنگشان ازدحام کرده بودند<sup>a</sup>.
- <sup>۱۱</sup> شگفت آن که حتی یک تن از این گردنکشان بدون توبیخ نماند،  
زیرا هر چند رحمت در وی است اما خشم نیز  
و هر چند در بخشایش تواناست اما خشمش نیز فراگیر است<sup>b</sup>.
- <sup>۱۲</sup> رحمتش هر چند عظیم باشد، ملامتش نیز همچنان است،  
او انسان را مطابق اعمالش داوری خواهد کرد.
- <sup>۱۳</sup> گناهکار با غنائمش گریزی نخواهد داشت  
و پایداری مرد پارسا بی اجر نخواهد ماند<sup>c</sup>،
- <sup>۱۴</sup> هر شفقتی حساب خودش را خواهد داشت<sup>d</sup>،  
هر کس بر اساس اعمالش دریافت خواهد کرد<sup>e</sup>.

مز ۱۳:۶۲

## مسلم بودن پاداش

- <sup>۱۷</sup> مگو: «خود را از خدا مخفی خواهم کرد  
و در عرش چه کسی از من یاد خواهد کرد؟  
در میان جمیعت شناخته نخواهم شد،  
در واقع در این آفرینش بیکران من کیستم<sup>f</sup>؟»
- <sup>۱۸</sup> آسمان و افلاک را بنگر،  
لجّه و زمین به دیدارش متلاطم هستند<sup>g</sup>.
- <sup>۱۹</sup> مجموعه کوه ها و اساس زمین

x- اشاره به پید ۱:۶-۷.

y- در متن عبری: که با نخوت خود موجب خشم می گردند. اشاره به سرنوشت شهرهای سدوم و عموره (پید ۱۹:۱-۲۶).

z- منظور ساکنان کنعان اند، همان طور که قبلا در یکی از نسخ یونانی چنین آمده است: همه این ها را به قوم سنگدل کرده است/ به شمار مقدسانش تسلی نیافته بود.

a- می توان چنین نیز ترجمه کرد: آنانی که به گناهان خویش غره می شوند. منظور آن ششصد هزار اسرائیلی هستند که نتوانستند وارد سرزمین موعود شوند، اعدا: ۱۱:۴۶؛ ۱۱:۲۱؛ ۱۴:۲۰-۳۵. برخی دست نوشته های یونانی می افزایند: خدا آن ها را با تازیانه زدن و رحم آوردن، مضروب کردن و شفا دادن، در رحمت و انضباط خویش محفوظ داشت.

b- عبری: خشم خود را علیه شریبران برافروخت.

c- متن عبری اضافه می کند: جاودانه.

d- عبری: برای هر که به عدالت عمل می کند، پاداشی متصور است.

e- برخی دست نوشته های یونانی در تطابق با نسخه عبری می افزایند: ۱۵ خدا قلب فرعون را سخت گردانید تا وی را نشناسد/ تا اعمال وی به زیر آسمان مشهور گردد/ ۱۶ رحمت وی بر همه خلائق عیان گردید/ وی نور و ظلمت خود را با آدم تقسیم کرده است (عبری: و ستایش خویش را به بنی آدم).

زیر نگاهش از ترس می لرزند.  
 ۲۰ اما روح به این ها نمی اندیشد  
 و چه کسی به راه هایش توجه می کند؟  
 ۲۱ حتی طوفان بر آدمیان نامرئی است،  
 و بسیاری از اعمالش مخفی می باشد.<sup>h</sup>  
 ۲۲ اعمال عدالتش را چه کسی اعلام کند  
 یا چه کسی به انتظارشان باشد؟ زیرا پیمان<sup>i</sup> بس دور است!  
 ۲۳ آن کس که فاقد روح است چنین می اندیشد،  
 مرد نابخرد و گمراه جز به بلاهت نمی اندیشد.<sup>j</sup>

مز ۱۸:۸:  
 ۹:۷:  
 ۱۰:۴:  
 ایوب ۱:۳۷-۷

## بخش ب

### حکمت الهی در آفرینش

۲۴ ای فرزند مرا بشنو و دانش بیاموز،  
 در قلب خویش به سخنان من توجه کن.  
 ۲۵ تعلیم را به اندازه آشکار می گردانم<sup>k</sup>  
 و دانش را به دقت بیان می کنم.  
 ۲۶ اعمال خداوند از همان ابتداست  
 و از همان زمان آفرینش<sup>l</sup>، بخش ها را از هم جدا کرده است.<sup>m</sup>  
 ۲۷ او اعمالش را برای همیشه تنظیم کرده است،  
 و حاکمیت آن ها را برای نسل ها،  
 اعمالش را نه گرسنگی است و نه خستگی  
 و هرگز از کوشش باز نمی ایستند.

امت ۱:۲۳

پید ۱:  
 مز ۱۳۶:۵-۹

۲۰:۴۲-۲۵:  
 مز ۱۳۶:۵-۹

- f- عبری: و روح من در میان لایتنای ارواح همه بنی آدمیان چیست؟  
 آیا این را باید نشانه ای از نفوذ یونانی گری دانست؟ اما در گذشته آدم و قائن در صدد برآمده بوده اند که خود را در برابر  
 چهره خدا مخفی کنند (پیدایش ۳:۱۰؛ ۴:۹).  
 g- از دیدار خدا گریزی نیست که بسیار عظیم و وحشتناک است. برای آن دیدار باید آماده شد. برخی نسخ یونانی می افزایند:  
 سراسر کیهان در اراده او آفریده شده است.  
 h- در عبری: حتی به من توجهی ندارد/ چه کسی راه های مرا ملاحظه خواهد کرد؟ اگر من گناه کنم هیچ چشمی مرا نخواهد دید/  
 اگر در خفا دروغ گویم، چه کسی خواهد دانست؟  
 i- پیمان منظور همان عهد است (ر.ک. ۱۴:۱۲) که در آن خدا از خیانت انتقام می گیرد. برخی نسخ یونانی می افزایند: و  
 آزمایش هر چیز در نهایت صورت خواهد گرفت.  
 j- عبری: ابله بر آن تکیه می کند.  
 k- عبری: روحم را می افشانم.  
 l- تحت اللفظی: به هنگام آفرینش، به تصحیح از نسخه عبری.  
 m- در اینجا نسخه عبری بخش A به پایان می رسد.

۲۸ هیچ یک از آن‌ها تصادمی با همسایه اش ندارد ،  
و هرگز از سخنانش نافرمانی نمی کنند<sup>n</sup>.  
۲۹ پس از آن، خدا زمین را نگریست  
و آن را از نیکی هایش انباشته کرد.  
۳۰ با موجوداتی از هر نوع سطح زمین را پوشاند  
و آنان به خاک باز می گردند.

پید ۱:۲۴-۲۵:  
۳:۱۹:  
مز ۱۰۴:۲۹

## ۱۷

۱ خدا انسان را از خاک آفریده،  
و باز وی را به خاک باز خواهد گرداند<sup>o</sup>.  
۲ وی را روزهای مشخص و زمان معین داده  
و آنچه را بر زمین است به زیر قدرت وی نهاده.  
۳ مانند خود به ایشان نیرو داده ،  
و آنان را به صورت خود آفریده است.  
۵ ترس آنان را در هر نفس زنده ای دمیده ،  
تا بر حیوانات وحشی و پرندگان تسلط یابند<sup>p</sup>.  
۶ خدا به ایشان حس تشخیص، زبان و چشم ها داده است،  
نیز گوش ها و قلبی برای اندیشیدن<sup>q</sup>.  
۷ آنان را از علم و هوشمندی سرشار نموده  
و نیکی و بدی را به آن‌ها نشان داده است.  
۸ چشمش<sup>r</sup> را در قلبشان نهاده  
تا عظمت کارهایش را به ایشان نشان دهد<sup>s</sup>.  
۱۰ تا نام قدوسش را بستایند  
و عظمت کارهایش را بازگویند.

پید ۶:۳:  
مز ۹۰:۱۰

پید ۹:۲

## پیمان و تورات

۱۱ به علاوه دانش را به ایشان افزوده ،  
و تورات زندگانی را جهیزیه ایشان ساخته است<sup>t</sup>.

n- منظور از اعمال در آیات ۲۷-۲۸، ستارگان هستند.

o- بن سیراخ ترتیب روایت پیدایش باب ۱ را دنبال می کند. درباره انسان سرشته شده از خاک ر.ک. جا ۳۰:۲۰؛ ۱۲:۷.

p- برخی نسخ یونانی می افزایند: ۵ آنان پنج عمل خدا را دریافت می دارند/ عمل ششم به آنان هوشمندی ارزانی خواهد کرد/ عمل هفتم سخن در تفسیر اعمالش.

q- از دید عبرانیان قلب مرکز فهم و هوشمندی است.

r- در بسیاری از نسخ آمده است: در چشمان آنان، که منظور هوشمندی آنان است.

s- برخی نسخ یونانی می افزایند: ۹ به آنان عطا کرده که در طول قرون به شگفتی هایش فخر کنند.

t- برخی نسخ یونانی می افزایند: تا سرانجام فکر کنند که آنان فانی هستند.

۵:۴۵

۱۲ با آنان پیمان دائمی برقرار کرده ،  
 و فرمان هایش را به ایشان شناسانده است.  
 ۱۳ چشمانشان عظمت شکوه وی را دیده اند ،  
 و گوش هایشان شکوه صدایش را شنیده اند.  
 ۱۴ به آنان گفته است: «از هر ظلمی برحذر باشید»  
 و به هر یک از ایشان فرمان هایی نسبت به همنوعشان داده است.  
 تث ۲۰-۱۵:۳۰  
 خروج ۱۶:۱۹-۱۹

### هیچ چیز از چشم خداوند پوشیده نیست

۱۵ راه هایشان همواره در برابرش است ،  
 و از چشمانش مخفی نیست.<sup>u</sup>  
 ۱۷ برای هر ملتی رهبری مقرر داشته ،  
 اما اسرائیل، سهم خداوند است.<sup>v</sup>  
 ۱۹ همه اعمالشان چون آفتاب در برابر اوست ،  
 و چشمانش همواره بر راه هایشان.  
 ۲۰ ظلم هایشان هرگز از وی مخفی نیست  
 و همه گناهانشان در برابر خداوند است.<sup>w</sup>  
 ۲۲ شفقت آدمی به نزدش چون مهری است ،  
 و نیکی آدمی را چون تخم چشمش حفظ می کند.<sup>x</sup>  
 ۲۳ سپس برخاسته ایشان را پاداش خواهد داد<sup>y</sup>  
 و پاداششان را بر سرشان خواهد آورد.  
 ۲۴ اما کسانی که پشیمان شوند، برای بازگشت راهی پیش پایشان می گذارد ،  
 و کسانی را که فاقد پایداری اند، استراحت می بخشد.

تث ۹-۸:۳۲

### دعوت به توبه

۲۵ به سوی خدا بازگرد و گناهان را رها کن،  
 در برابرش تضرع نما و از گناه کم کن.

u- برخی نسخ یونانی می افزایند: ۱۶ از جوانی به راه های بد می روند و نمی توانند قلب سنگ خود را به قلب گوشتین تغییر دهند/ زیرا سهم مردمان بر روی زمین چنین است. - این تفسیر که به پید۶:۵ و حزق ۹:۱۱: ۲۶:۳۶ باز می گردد از دید بدبینی آنچه را بن سیراخ در مورد آزادی انسان مورد تأکید قرار می دهد قطعیت می بخشد. ر.ک. بنسی ۱۱:۱۵-۲۰ یا در مورد بازگشت به سوی خدا ۱۷:۲۴-۲۶.

v- برخی نسخ یونانی می افزایند: ۱۸ نخست زاده اش از تعلیم بهره مند است/ رهایش نمی کند و او را به نور محبت سرشار می گرداند.

w- برخی نسخ یونانی می افزایند: ۲۱ اما آفریدگار نیکوست و آفریده خود را می شناسد/ آنان را نه فراموش می کند و نه ترک می نماید بلکه محفوظشان می دارد.

x- برخی نسخ یونانی می افزایند: پسران و دختران خود را از ندامت معاف می دارد.

y- اینکه وقوع پاداش به چه شکل و کجا و چگونه انجام خواهد شد، تعیین نشده است.

z- تحت اللفظی: مانع، یعنی فرصت های گناه.

۲۶ به سوی باری تعالی بازگشت نما و از ظلم روی بگردان<sup>a</sup>،  
و به شدت از هر کراهتی متنفر باش.

۲۷ چه کسی باری تعالی را در وادی مردگان ستایش کند،  
اگر زندگان وی را تجلیل نکنند؟

۲۸ برای مرده - که دیگر نیست - ستایش ناپدید شده،  
هرکس درحین زندگانی و سلامت باید خدا را ستایش کند.

۲۹ رحمت خدا و بخشایش وی

برای کسانی که به سویش باز می گردند عظیم است!

۳۰ زیرا آدمی نمی تواند همه چیز را داشته باشد،

چون که بنی آدم نامیرا نیست.

۳۱ چه چیزی از خورشید تابناک تر است؟ حتی خورشید نیز کسوف می کند!

پس چقدر بیشتر آدمی، که تمایلش خون و تن است<sup>b</sup>!

۳۲ خدا<sup>c</sup> مراقب لشکرهای اجرام آسمانی است

و آدمی جز خاک و خاکستر نیست.

مز ۶:۶  
۱۷:۱۱۵

مز ۱۰۳:۸  
۱۱۱:۴  
۱۴۵:۷-۹

پید ۱۸:۲۷

## عظمت خدا

### ۱۸

۱ و که همواره زنده است همه چیز را یکسان آفریده.

۲ تنها خداوند، عادل شناخته خواهد شد<sup>d</sup>.

۴ به هیچ کس [اجازه] نداده کارهای وی را اعلام کند،

چه کسی عظمت او را درک تواند کرد؟

۵ قدرت جبروتش را چه کسی حساب تواند کرد؟

و چه کسی می تواند ادعای برشمردن رحمت هایش را داشته باشد؟

۶ هیچ چیز برای کاستن و افزودن وجود ندارد،

نفوذ به شگفتی های خداوند محال است.

۷ وقتی آدمی به پایان راه می رسد، آنگاه اوست که آغاز می شود، و آن هنگام که

توقف می کند، تردیدهایش باقی می ماند<sup>e</sup>.

a- برخی نسخ یونانی می افزایند: زیرا خود وی تو را از ظلمات به نور نجات هدایت خواهد کرد.

b- انسان از مواد فاسد شدنی ساخته شده و استعداد شرارت دارد.

c- یا: خورشید، هر دو تفسیر امکان دارد زیرا در متن یونانی فاعل معلوم نیست. تقابل با انسان ساخته شده از خاک و خاکستر

این فکر را به ذهن القاء می کند که مراقبت کننده خداست، ر.ک. ایوب ۴:۱۷-۱۹؛ ۱۴:۱۵-۱۶؛ ۲۵:۴-۶.

d- برخی نسخ می افزایند: و کسی جز او نیست/ ۳ وی با کف دست خویش بر جهان حکم می راند/ همه مطیع اراده او هستند/

زیرا با قدرتی که دارد پادشاه همه چیز است/ و در میان آن ها تقدس را از کفر جدا می سازد.

e- اگر برای انسان امکان شناخت خدا وجود داشته باشد (ر.ک. روم ۱:۱۹ و آیات بعد) عظمت وی ورای درک ماست. مجموع

آنچه از وی می دانیم تنها به منزله شروع است. ر.ک. بنسی ۴۳:۲۷-۳۲.

## بطالت انسان

- <sup>۸</sup> آدمی چیست و چه فایده ای دارد؟
- مز ۵:۸ نیکی او چیست و بدی او کدام است؟
- <sup>۹</sup> تعداد روزهای عمر آدمی حداکثر صد سال است.<sup>f</sup>
- مز ۱۰:۹۰ <sup>۱۰</sup> قطره ای از آب دریا، دانه ای از شن ها، این چنین است سال های اندک وی در برابر ابدیت.
- <sup>۱۱</sup> برای این است که خدا با آنان صبور است و رحمتش را بر ایشان می گستراند.
- <sup>۱۲</sup> وی می بیند و می داند که پایانشان چقدر رقت بار است، به همان اندازه بخشایش خود را افزون می سازد.
- <sup>۱۳</sup> آدمی بر همنوع خویش رحمت می آورد، اما رحمت خدا بر هر موجودی است.<sup>g</sup>
- وی ایراد می گیرد، تصحیح می کند، تأذیب می نماید و چون شبان رمه اش را باز می گرداند.
- <sup>۱۴</sup> به کسانی که تعلیم می یابند و به کسانی که به سوی فرمان هایش می شتابند رحمت می آورد.

## طرز بخشش

- <sup>۱۵</sup> ای فرزند، نیکی هایت را لکه دار مگردان، و هیچ یک از مواهبت را با نیش زبان مکن.
- <sup>۱۶</sup> آیا شبنم باد سوزان را آرام نگرداند؟ و همچنین کلام بهتر از بخشش است.
- <sup>۱۷</sup> مگر نمی بینی که ارزش کلام بیش از پیشکش زیباست؟ هم این و هم آن در انسان رؤف یافت می شود.
- <sup>۱۸</sup> ابله بدون مهربانی با خشونت رفتار می کند، و بخشش حسود اشک را جاری می سازد.
- بع ۵:۱

## فضیلت مال اندیشی

- <sup>۱۹</sup> پیش از حرف زدن یاد گیر، و پیش از آن که بیمار شوی از خود مراقبت نما.
- <sup>۲۰</sup> پیش از داوری خود را بیازمای

f- برخی نسخ می افزایند: زمان آرامش ابدی برای هر کس غیر قابل پیش بینی است.

g- نویسنده می افزاید که رحمت الهی نسبت به همه آفریده ها بدون استثنا در حال عمل است، این موضوع با تأخیر وارد عهدعتیق شد: یون ۱۱:۴، مز ۹:۱۴.

و در ساعت دیدار، بخشش خواهی یافت.  
 ۲۱ پیش از آن که بیمار شوی<sup>h</sup> فروتنی پیشه کن،  
 و به هنگام گناه، پشیمان شو.  
 ۲۲ انجام نذری را به هنگامش فرو مگذار  
 و برای آن که به نظم گرائی، در انتظار مرگ مباش.  
 ۲۳ پیش از نذر کردن خود را آماده گردان  
 و مثل کسی نباش که خدا را تجربه می کند.  
 ۲۴ از غضب روزهای پایانی یادآور  
 و از زمان عقوبت، وقتی که او روی برمی گرداند.<sup>i</sup>  
 ۲۵ به هنگام وفور، در اندیشه فحطی باش  
 و به هنگام ثروت، در اندیشه فقر و درماندگی.  
 ۲۶ از بامداد تا شامگاه زمان در تغییر است  
 و همه چیز در برابر خدا زود گذر.<sup>j</sup>  
 ۲۷ مرد حکیم همواره هوشیار است  
 و به روزهای گناهان، از خطا برحذر<sup>k</sup>.  
 ۲۸ هر مرد هوشمندی حکمت را می شناسد،  
 و به هر کس آن را یافته باشد ارج می نهد.  
 ۲۹ آنان که با خردمندی سخن می گویند خود از حکیمان اند  
 و امثال سنجیده فرو می بارند.<sup>l</sup>

تث ۲۳:۲۲-۲۴

امت ۲۰:۲۵

### خویشتن داری<sup>m</sup>

۳۰ خود را به دست طمع مسپار،  
 و جلوی اشتهای خود را بگیر.  
 ۳۱ اگر بر آوردن طعمش را به روح ببخشایی،  
 او تو را مسخره دشمنانت خواهد کرد.  
 ۳۲ شادی خویش را در فراوانی لذت قرار مده،  
 و مگذار که در بند وی افتی<sup>n</sup>.



h- در آن زمان بیماری را عقوبت گناه می پنداشتند، ر.ک. بنسی ۳۸:۹-۱۰.  
 i- عقوبت هائی که گناهکار در طول حیاتش دچار آن ها می شود و سزای آن مرگ است محدودیت دارد.  
 j- تغییر وضع سریع انسان خارج از قدرت خدا نیست.  
 k- برخی چنین معنا می کنند: روزهایی که به سوی گناه کشیده می شود.  
 l- در برخی نسخ به بارش باران تشبیه شده که نشانه وفور برکت است (ر.ک. ۱۳:۱۰؛ ۳۹:۶؛ ۵۰:۲۷). برخی نسخ یونانی می افزایند: اعتماد به سرور یکتا بهتر است/ تا قلب مرده ای را به مرده ای پیوند زدن.  
 m- این عنوان فرعی از نسخه یونانی گرفته شده است.  
 n- در متنی عبری از این روایت چنین می خوانیم: بالذتی بی ارزش خود را شاد مگردان/ که تو را به صورت مضاعف حقیر گرداند. واژه ای که در اینجا «بی ارزش» ترجمه شده در نسخه یونانی و سریانی به مفهوم بسیار و فراوان آمده است. نسخه لاتین هر دو ترجمه را باهم جمع می کند. به هر حال معنای آن روشن نیست.